

# پیش‌گفتار کتاب سیمرغ و سی مرغ

(نظریه عطار درباره خدا و جهان)

(توحید اشراقی و عددی)

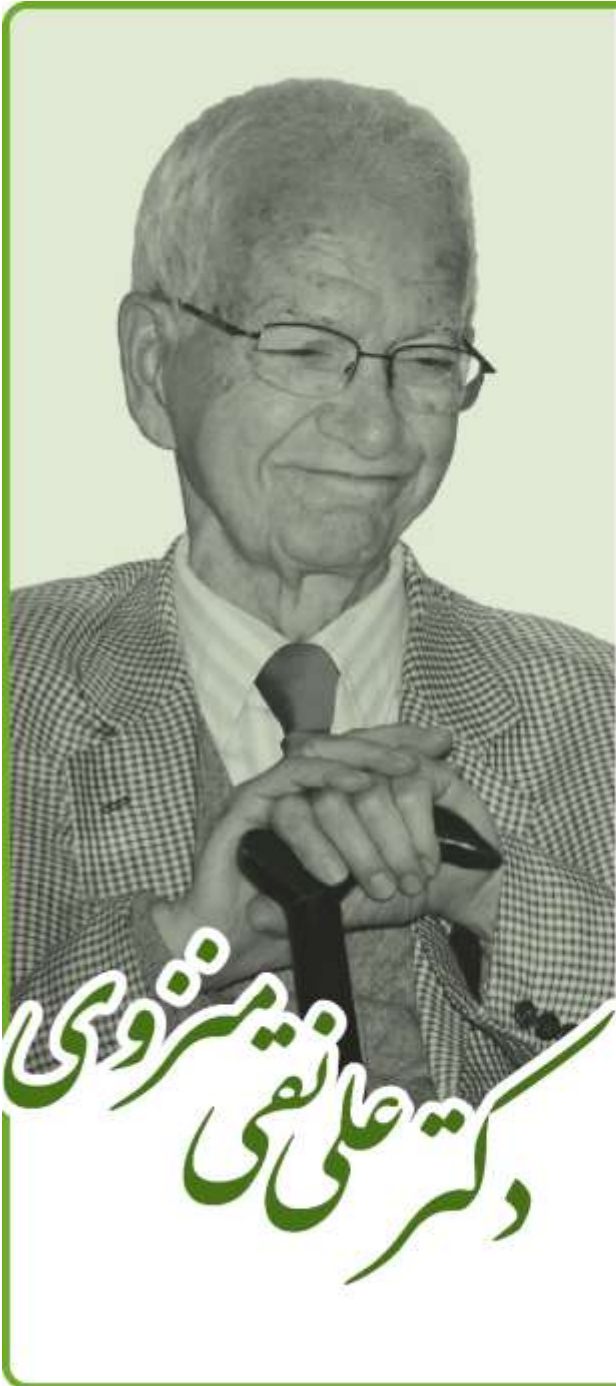
دکتر علی نقی منزوی

کتاب سیمرغ و سی مرغ، دکتر علی نقی منزوی، انتشارات سحر، تهران، ۱۳۵۹خ، برگه ۷ - ۷۲

به کوشش

محمدابراهیم ذاکر

دکتر علی نقی منزوی



ریزگفتار

۱	پیش‌گفتار کتاب سیمرغ و سی مرغ
۱	درآمد
۱	نظریهٔ عطار دربارهٔ خدا و جهان
۳	پیش‌گفتار
۳	دو گونه خدانشناسی
۳	الف: خدای یهودی
۳	ب: خدای هندی
۴	دو گونه ارزیابی قوانین
۴	الف: متون مقدس قدیم؛ یا حادث
۴	ب: قوانین مقدس الهی
۴	پیدایش فرهنگ‌های دو رگه در دو مرکز
۵	یمن، سبا و اشراق هندی
۸	حجاز یکی از مراکز آمیزش دو اندیشه
۸	پیروزی اندیشهٔ توحید عددی پس از مرگ پیغمبر (ص)
۹	گنوسیزم ایرانیان و تسنن عرب‌ها
۹	مبارزهٔ خلفا با گنوسیزم
۱۱	برخی از اصول گنوسیستی
۱۱	نخست) دوام فیض
۱۱	دوم) عدل و لطف
۱۲	چهارم) متافیزیسیم و روحانیت
۱۲	پنجم) حادث‌بودن کلام الله
۱۳	فلسفهٔ سیاسی در حکومت ساسانی و خلفا
۱۳	قلم به جای شمشیر

دکتر علی‌نقی مسزوی

۱۶	..... سبب بدبینی اشراقیان نسبت به فلسفه مشاء
۱۶	..... کودتای سلفیان
۱۸	..... عقب‌نشینی عباسیان در برابر گنوسیسم
۱۹	..... گنوسیسم در زیر پرده مشاء
۲۱	..... عطار
۲۱	..... زیست‌نامه
۲۱	..... زندگی مادی و معنوی عطار
۲۴	..... منطق الطیر
۲۵	..... کارهای انجام‌شده بر منطق الطیر
۲۵	..... الف) ترجمه‌های شرقی منطق الطیر عطار
۲۶	..... ب) کارهای خاورشناسان
۲۷	..... داستان مرغان پیش از عطار
۲۸	..... باب البوم و الغراب کلیله و دمنه
۲۸	..... ابن ندیم
۲۸	..... اخوان الصفا
۲۹	..... ابن سینا
۲۹	..... ترجمه سهروردی کشته ۵۸۷ ق / ۱۱۹۱ م
۲۹	..... ترجمه اخسیکتی احمد بن قاسم بن احمد بن خدیو (سده ۵۶ / ۱۲ م)
۳۰	..... ترجمه ملا وجیه‌الدین
۳۰	..... ج) شرح بر ترجمه فارسی
۳۰	..... زمینه داستان‌های ابن سینا
۳۱	..... لسان الطیر
۳۱	..... حی بن یقظان، سلامان و ابدال
۳۱	..... برادران غزالی

۳۲	..... موضوع گفتار دوم منطق الطیر عطار.....
۳۳	..... عین القضاة همدانی کشته ۵۲۵ق / ۱۱۳۱م.....
۳۳	..... شهاب‌الدین سهروردی (ک: ۵۸۷ق).....
۳۳	..... الف) لغت موران.....
۳۴	..... ب) صغیر سیمرغ.....
۳۶	..... ج) آواز پَر جبریل.....
۳۶	..... د) عقل سرخ.....
۳۶	..... ه) رسالة في حالة الطفولية.....
۳۷	..... روزبهان بقلی.....
۳۷	..... الاهی سیمایی.....
۳۷	..... مجد بغدادی.....
۳۷	..... نجم‌الدین رازی.....
۳۸	..... علی بن سلیمان بحرینی.....
۳۹	..... ویژگی‌های سیمرغ.....
۳۹	..... ریشه واژه.....
۴۰	..... دو سیمرغ متضاد.....
۴۱	..... رخساره سیمرغ.....
۴۲	..... سیمرغ، عنقا، رخ و طایر قدسی.....
۴۳	..... پَر سیمرغ، پَر جبریل، و موی دیو.....
۴۴	..... جایگاه سیمرغ.....
۴۵	..... کوه البرز و کوه قاف.....
۴۶	..... کتاب‌نامه.....
۴۶	..... نمایه کتاب و مقاله.....



پیش‌گفتار کتاب سیمرغ و سی مرغ

# پیش‌گفتار کتاب سیمرغ و سی مرغ

توحید اشراقی و عددی

دکتر علی‌نقی منزوی

کتاب سیمرغ و سی مرغ، دکتر علی‌نقی منزوی، انتشارات سحر، تهران، ۱۳۵۹ خ، برگه ۷ - ۷۲؛ انتشارات راه مانا، تهران، ۱۳۷۹ خ، برگه ۱۵ - ۱۶۸

## درآمد

### نظریه عطار درباره خدا و جهان

گفتار زیر کوششی است برای روشن کردن گوشه‌ای از جهان‌بینی صوفیان و توضیح نظریه پیروان فلسفه هندوایرانی اشراق درباره خدا و جهان است که عطار نیز آن در منظومه‌های خویش به زیبایی گنجانیده و در کتاب منطق الطیر به صورت نمایش نامه از زبان مرغان بیان کرده است تا شاید بتوانم هسته گنوستیک این فکر ایرانی دوره ساسانی را که با گذشت هفت قرن به زیر خروارها معتقدات ضد و نقیض و خرافی دفن شده بوده است، بیرون آورده، نشان دهم.

در سی سال گذشته بسیاری از استادان درباره منطق الطیر عطار بحث و تحقیق نموده‌اند، برخی از ایشان را می‌توان بازگو کرد:

<sup>۱</sup> نک: شرحی بر نمایشنامه سی مرغ و سیمرغ (۱)(۲)، علی‌نقی منزوی، مجله یغما، سال سی‌ام، شماره ۶، شماره مسلسل ۳۴۸، شهریور ۲۵۳۶، رمضان - شوال ۱۳۹۷، برگه ۳۳۸ - ۳۴۴؛ مجله یغما، سال سی‌ام، شماره ۹، شماره ردیف ۳۵۱، آذر ۲۵۳۶، ذی‌قعدة - ذی‌حجه ۱۳۹۷، برگه ۵۲۷ - ۵۳۱.

- هلموت ریتر<sup>۱</sup>؛

- سعید نفیسی (۱۲۷۴ - ۱۳۴۵ خ)؛<sup>۲</sup>

- دکتر صادق گوهرین (۱۲۹۳ - ۱۳۷۴ خ)؛<sup>۳</sup>

- دکتر عبدالحسین زرین کوب (۱۳۰۱ - ۱۳۷۸ خ)؛<sup>۴</sup>

- بدیع الزمان فروزان فر (۱۲۸۳ - ۱۳۴۹ خ)<sup>۵</sup> نام برد. این شادروان نقد و تحلیلی مفضل از آثار عطار و از جمله منطق الطیر به چاپ رسانید.

- دکتر نوایی ۳۹ خاورشناس را که درباره عطار تحقیق نموده‌اند، یاد کرده است که نه تن از ایشان، به ویژه درباره منطق الطیر کار کرده‌اند.<sup>۶</sup>

برادرم احمد منزوی در فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ج ۴، ۳۲۳۶ - ۳۲۴۳ تعداد ۱۳۳ نسخه از منطق الطیر نشان داده که ۳۹ نسخه آن پیش از سال ۹۰۰ ق نوشته شده است. منطق الطیر در کتاب الذریعة، ج ۹، ۷۲۹ و ج ۱۹، ۳۰۸ شناسانده شده است.

<sup>1</sup> Hellmut Ritter (27 February 1892 - 19 May 1971).

*Das Meer der Seele. Mensch, Welt und Gott in den Geschichten des Farīduddīn 'Aṭṭār* (1955); English translation: *The Ocean of the Soul: Men, the World and God in the Stories of Farid Al-Din' Attar* (Brill, 2003)

<sup>۲</sup> جستجو در احوال و اشعار فریدالدین عطار نیشابوری [محمد فرزند ابراهیم، عطار نیشابوری (۵۳۴ - ۶۳۷ ق)]، سعید نفیسی (۱۲۷۴ - ۱۳۴۵ خ)، انتشارات اقبال، تهران، ۱۳۲۱ خ، ۱۹۴ برگه.

<sup>۳</sup> منطق الطیر، فریدالدین عطار نیشابوری، محمد فرزند ابراهیم (۵۳۴ - ۶۳۷ ق)، تصحیح صادق گوهرین (۱۲۹۳ - ۱۳۷۴ خ)، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، چ. سوم، تهران، ۱۳۵۶ خ، ۴۲۶ برگه.

خلاصه منطق الطیر عطار نیشابوری، صادق گوهرین (۱۲۹۳ - ۱۳۷۴ خ)، انتشارات امیرکبیر، تهران، چ. دهم، ۱۳۶۹ خ، ۵۶ برگه.

<sup>۴</sup> صدای بال سیمرغ، عبدالحسین زرین کوب (۱۳۰۱ - ۱۳۷۸ خ)، انتشارات سخن، تهران، ۱۳۷۸ خ، ۲۴۶ برگه.

<sup>۵</sup> شرح احوال و نقد و تحلیل آثار شیخ فریدالدین محمد عطار نیشابوری، محمدحسین بُشروی، بدیع الزمان فروزان فر (۱۲۸۳ - ۱۳۴۹ خ)، تهران، ۱۳۳۹ - ۱۳۴۰؛ دیگر: انتشارات زوار، تهران، ۱۳۸۹ خ.

<sup>۶</sup> V. M. Navabi. *A Bibliography of Iran Vol. 11. P. 185 - 187.*

چاپ‌ها گوناگون بیست و سه‌گانه منطق الطیر در فهرست مشار دیده می‌شود؛ بنابراین، دیگر جایی برای پُرچانگی باقی نیست، ولی به نظر می‌رسد که یک مسأله از نظر همگی دور مانده است و آن این که این اثر گران‌قدر عطار یک نمایشنامه است و با جدا کردن پوسته‌ها از آن و بر روی صحنه آوردن آن می‌توان خدمتی برای توده مردم انجام داد.

## پیش‌گفتار

### دو گونه خداشناسی

۱- دو گونه خداشناسی: خداشناسی در کتب مقدس قدیم پیش از آمیزش ملل هندی و آرامی به دو شکل متمایز دیده می‌شود:

#### الف: خدای یهودی

خدا در کتب آرامی به ویژه تورات، یک شخصی است و جدا از جهان (توحید عددی و تشبیهی) که جهان را از عدم به وجود آورده است.

#### ب: خدای هندی

خدا در کتب هندی به ویژه ودا روح جهان و خود آن است که در اصطلاح اسلامی توحید اشراقی و تنزیهی نامیده می‌شود. این دوگونه دید درباره خدا سبب پیدایش دو دید در باره خدا و جهان (دین) است.

الف: خدای آرامی هر چندگاه که خودش صلاح بداند، یکی از انسان‌های معمولی را به سفارت نزد مردم می‌فرستد.

ب: از دیدگاه اندیشه هندوایرانی، این انسان است که می‌تواند با طی کردن مراحل آموزش و تمرین به مقام اتصال و سپس اتحاد (نروانا) به خدا نایل آید.

این نظریه هندوایرانی در نبوت در سده دوم هجری گاه به صورت انکار نبوت اسرائیلی از طرف راوندی (د: ۲۹۵ق) و رازی (د: ۳۱۳ق) و گاه به صورت تفسیر نبوت به اشراق همگانی از طرف فارابی (د: ۳۳۹ق) و ابن‌سینا (۳۷۰ - ۴۲۸ق) بیان شده است، پس هیچ یک از این دو گروه منکر اصل اشراق و الهام نبوده‌اند.



## دوگانه ارزیابی قوانین

۲- دوگانه ارزیابی قوانین: اختلاف دو نظریه «نبوت اسرائیلی» و «اشراق هندوایرانی» که در بالا یاد شد، سبب پیدایش دو نظریه در باره کتب آسمانی و قوانین گردید:

## الف: متون مقدس قدیم؛ یا حادث

از نظر هندوایرانی متون مقدس «ودا» «اوستا» گرچه الهام الهی هستند؛ لیکن ساخته اندیشه صاحبان عالم آن‌ها بوده، پس همگی آن‌ها حادث هستند، ولی از نظر یهود کتاب‌های مقدس تورات کلام قدیم خداوند هستند.

## ب: قوانین مقدس الهی

قوانین مندرج در کتب مقدس از نظر سامیان (یهود) ابدی و لایتغیر و غیر قابل نسخ است، در صورتی که از نظر هندیان با مرور زمان قابل نسخ و تغییر و گاهی واجب‌النسخ هستند.<sup>۱</sup>

## پیدایش فرهنگ‌های دو رگه در دو مرکز

۳- پیدایش فرهنگ‌های دو رگه در دو مرکز: حمله هخامنشیان بر یونان و یورش اسکندر بر ایران هر دو از روی سر ملت‌های سامی (سریانیان، یهودیان، فینیقیان) انجام گرفت، موجبات آمیزش خدانشناسی‌های گوناگون ملت‌های آریایی و سامی را فراهم کرد. از این‌رو، خدانشناسی در آن کتب مقدس که تا قرن سوم میلادی پدید آمد، هم‌چون انجیل‌های مسیحی، مرقیونی، دیصانی، مانوی و حتی اوستای ۲۱ نسکی که فرآورده کنفرانس آذرباد مهر اسپندان<sup>۲</sup> در عهد شاپور دوم (۳۰۹ -

<sup>۱</sup> ماللهند من مقولة، بیرونی، هند، ۱۹۵۸، برگه ۸۱؛ و شرح الأصول الخمسة، عبدالجبار معتزلی، برگه ۵۷۶؛ و کنز الفوائد، کراچی شیعی صوری، برگه ۱۰۲؛ هم‌چنین نک: سخنرانی علی‌نقی منزوی، کنگره تحقیقات ایرانی مندرج در مجموعه سخنرانی‌ها (برخی از مسایل مورد بحث مشترک در ایران پیش و پس از اسلام، قاعده لطف و قانون صدور، هفتمین کنگره تحقیقات ایرانی، دانشگاه ملی، ۲۵۳۵، جلد سوم مجموعه سخنرانی‌های کنگره تحقیقات ایرانی، تهران، ۳۰ مرداد - ۵ شهریور ۲۵۳۵، جلد سوم، به کوشش محمدرسول دریاگشت، انتشارات دانشگاه ملی ایران، شماره ۱۲۷، برگه ۳۶۵ - ۳۷۵).

<sup>۲</sup> متن اصلی: کنفرانس آذرباد ماد اسپندان.

۳۹۷م) می‌باشد، هیچ یک نه مانند ودا یک‌سره اشراقی و نه مانند تورات عددی محض هستند؛ بلکه خداشناسی در همه این کتب ترکیبی از توحید عددی و اشراقی را نشان می‌دهد.

**الف:** بیشتر این انجیل‌ها در آسیای صغیر، ایران غربی و بین‌النهرین پدید آمده‌اند که در سده‌های میان میلاد و هجرت مرز دو دولت ایران و روم و مرکز دانشگاه‌های جندی‌شاپور، سورا، نصیبین و حران بوده و بالاخره یکی از دو مرکز اصلی آمیزش اندیشه‌های هندوایرانی از یک سو و سامیان از سوی دیگر به شمار می‌رود.

**ب:** مرکز دوم تماس این دو ملت «یمن / سبا» بوده که در بند ۴ پس از این یاد خواهد شد.

**ج:** غیر از انجیل‌های نام‌برده، داستان‌هایی نیز در آن زمان در همان آسیای صغیر درست شده که آن‌ها نیز نمودار برخورد و آمیزش دو تمدن آریایی و سامی باشند.

یکی از آن داستان‌ها، داستان «جرجیس و دادیانه» نام دارد که در سدهٔ چهارم میلادی در موصل رخ داده است. بیاری مقدسی در سدهٔ ۴ هـ در احسن التقاسیم از این داستان یاد کرده است و متن آن را طبری در تاریخ خود آورده است.<sup>۱</sup>

### یمن، سبا و اشراق هندی

**۴- یمن، سبا و اشراق هندی:** سرزمین یمن که پیش از اسلام به نام سبا نیز نامیده می‌شد در ساحل جنوبی شبه‌جزیرهٔ عرب قرار دارد و بندر ارتباط بازرگانی هند و ایران با آفریقا بوده، گاه به دست آفریقاییان «حبشیان» و گاه به دست ایرانیان اداره می‌شد. از این رو، این کشور مرکز پخش اندیشه‌های هندوایرانی در شبه‌جزیره بود و همان کار را می‌کرد که فلسطین در شمال شبه‌جزیره در پخش افکار توحیدی عددی سامی انجام می‌داد.

<sup>۱</sup>Z: أحسن التقاسیم، مقدسی بیاری، ترجمه علی‌نقی منزوی، ج ۱، ۱۹۱، بین‌النهرین مانند «یمن» نقطه‌ای است که دو تمدن آریایی و سامی از چند قرن پیش از اسلام در آن جا آمیزش داشته و پایه‌های فرهنگ دو رگه اسلام را پدید آورده‌اند. آثار این برخورد و داد و ستدها به صورت داستان‌هایی به جامانده که «جرجیس و دادیانه» یکی از آن‌هاست. این داستان زندگی سامیان را که باورهای خود را معتقدات به حق الهی می‌شمردند، در زیر تسلط حکومت آریایی‌های میترائیست و مزدیسنائی، نشان می‌دهد که مذهب ایشان را بت‌پرستی می‌شمردند. این داستان را طبری در تاریخ خود (تاریخ طبری، چ. لیدن، ۷۹۶ - ۸۱۲؛ ابوالقاسم پاینده، ترجمهٔ فارسی، ۵۴۶ - ۵۸۰) آورده است.

مرکزیت جغرافیایی این کشور، میان شبه‌جزیره به صورت یک منبع نور و علوم یقینی در آورده بود، تا آن جا که در ضمن افسانه زناشویی ملکه سبا که مهرپرست می بود با پادشاه یهود فلسطین که در میان سامیان و ایرانیان مانوی و دیصانی شهرت داشته و خود نشانی از آمیزش دو فرهنگ آریایی جنوب و سامی شمال شبه جزیره عرب است، می بینیم که هدهد به سلیمان می گوید: «من از سوی مهرپرستان کشور سبا برای تو یقین آورده‌ام<sup>۱</sup>. هم‌چنین سوره مبارک شماره ۳۴ قرآن نیز به نام سبا است.

در بخشی از داستان‌های سنبلیک عرفانی که نمایشگر چگونگی ترکیب و آمیزش دو جهان بینی هندی و آرامی است، مانند «حی بن یقظان» و «سلامان و ابسال» ابن سینا، «قصه الغریبة الغریبة» سهروردی، «شیخ صنعان» عطار<sup>۲</sup>، یک؛ یا چند قهرمان دیده می شود که برای جستجوی حقیقت از شرق به سوی غرب رهسپار می شوند و در بیشتر آن داستان‌ها آن مسافران یمنی و سبایی هستند.

واژه «برسابا» در سریانی به معنی فرزند یمن، به کسانی گفته می شد که دارای ایده‌ئولوژی اشراقی زمان خود بوده، در روحانیت و متافیزیسم غلو می نموده‌اند.

<sup>۱</sup> Z: قرآن، سوره ص، شماره ۲۷، ۲۲ - ۲۴: فَمَكَتْ غَيْرَ بَعِيدٍ فَقَالَ أَحَطْتُ بِمَا لَمْ نَحْطُ بِهِ وَجِئْتُكَ مِنْ سَبَا بِنْتِ بَقِينٍ (۲۲) إِنِّي وَجَدْتُ امْرَأَةً تَمْلِكُهُمْ وَأُوتِيَتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَهَا عَرْشٌ عَظِيمٌ (۲۳) وَجَدْتُهَا وَقَوْمَهَا يَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَزَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ فَهُمْ لَا يَهْتَدُونَ (۲۴) پس دیری نپایید که [هدهد آمد و] گفت از چیزی آگاهی یافتم که از آن آگاهی نیافته‌ای و برای تو از سبا گزارشی درست آورده‌ام (۲۲) من [آن جا] زنی را یافتم که بر آن‌ها سلطنت می کرد و از هر چیزی به او داده شده بود و تختی بزرگ داشت (۲۳) او و قومش را چنین یافتم که به جای خدا به خورشید سجده می کنند و شیطان اعمالشان را برایشان آراسته و آنان را از راه [راست] باز داشته بود در نتیجه [به حق] راه نیافته بودند (۲۴)

<sup>۲</sup> شیخ صنعان داستان سمبلیکی است که عطار آن را در گفتار ۱۴ منطق الطیر گنجانیده است. این داستان نمودار آمیزش دو فرهنگ و دو اندیشه گنوسیزم هندوایرانی یمن و مذاهب سامی در شمال شبه جزیره عرب است. بنا بر تحلیل فروزان فر و مینوی، عطار داستان شیخ صنعان را از روی داستان مسیحی شدن چند زاهد مسلمان، مانند ابن سقا و عبدالرزاق یمنی و ابوعبدالله اندلسی که در قرن ۵هـ / ۱۱م رخ داده، ساخته است. (نقد و تحلیل آثار عطار، چ. تهران، ۱۳۴۰خ / ۱۹۶۱م، برگه ۳۲۹ و ۳۴۶)

ترجمه کردی شیخ صنعان نیز در برگه ۲۶ یاد شده است.

در ادبیات عربی اسلامی نیز این کلمه به «ابن سبا» ترجمه شده کیفیت یک شخصیت افسانه‌ای «عبدالله بن سبا» قرار گرفته که در کتب ملل و نحل اندیشه‌های گنوسیستی بدو نسبت می‌داده‌اند. یک فرقه از گنوسیست‌های تندرو نیز در تاریخ مذاهب اسلام به «سباییان» شناخته می‌شوند. شاید بتوان واژه صابئی را نیز که نام یک فرقه از گنوسیست و ترکیبی از یهودیت و میترائیسم می‌باشد و در قرآن کریم نیز از آنان یاد شده، با واژه سبائی پیوندی داد.

چند تن از اهل صفة که شاید بتوان ایشان را در میان مردم مدینه روزگار پیغمبر، گنوسیست خواند، مانند حذیفه و عمار یاسر، یمنی بوده‌اند.

روی سخن علی (ع) در برخی از خطبه‌هایش که بوی گنوسیزم دارد، با یک تن یمنی است.

چندین تن از نخستین صوفیان معروف آغاز اسلام نیز یمنی بوده؛ یا خود را به یمن منسوب داشته‌اند. برخی از دعا‌های گنوستیک را به یمن نسبت می‌داده‌اند.<sup>۱</sup>

هماره در سراسر تاریخ اسلام، یمن زادگاه ضد سنّیان زیدی و اسماعیلی می‌بود که حکومتشان تا همین اواخر ادامه می‌داشت.

کشاکش دو اندیشه جنوبی و شمالی در شبه جزیره عرب یک سده پیش و پس از هجرت به صورت نزاع قبیله‌های عرب جنوب و شمال در تاریخ منعکس است.<sup>۲</sup>

یکی از نامه‌های علی (ع) در نهج البلاغه، ۲: ۷۲ به صلح‌نامه میان آن دو اختصاص یافته است؛ بنابراین، گفته تعصب‌آمیز گلدزیهر که یمن را از مراکز اندیشه پکر سامی شمرده، نادرست می‌نماید<sup>۳</sup>، مگر او قبایل حمیر پیش از عرب شدن را نخواسته باشد.

<sup>۱</sup> الذریعة، ج ۶، شماره ۲۴۴۸؛ ج ۲۴، شماره ۲۲۸۷.

<sup>۲</sup> نک: علامه سید مرتضی عسکر. خمسون و مائه صحابی مختلق، (۳ جلد)، ۱۵۰ صحابی ساختگی؛ عبدالله بن سبا و اساطیر اخری، نجف، ۱۳۷۵ ق / ۱۳۳۵ خ، (۲ جلد)؛ دیگر: چ. مصر، ۱۳۸۱ ق / ۱۳۴۰ خ؛ چ. بیروت، ۱۳۸۸ ق، با ترجمه فارسی با عنوان «عبدالله بن سبا و دیگر افسانه‌های تاریخی». هم‌چنین: نک: خمسون، معرفی کتاب «خمسون و مائه صحابی مختلق» یکصد و پنجاه صحابی ساختگی، علی نقی منزوی، مجله کاوه، مونیخ، شماره ۳۹، سال ۹، بهمن ۱۳۵۰، فوریه ۱۹۷۲، ذی حجه ۱۳۹۲، برگه ۷۳۲ - ۷۳۴.

<sup>۳</sup> درسی‌هایی در باره اسلام، ایگناس گلدزیهر، ترجمه علی نقی منزوی و محمد عاصمی چاپ بنیاد فرهنگ ایران، نوبت دوم، ۱۳۵۸ خ / ۱۹۷۹ م.

## حجاز یکی از مراکز آمیزش دو اندیشه

۵- حجاز یکی از مراکز آمیزش دو اندیشه: این سرزمین که از نظر جغرافیایی در میان دو سرزمین فلسطین از شمال و یمن از جنوب قرار دارد.

مردم آن اندیشه توحید عددی را از شمال و توحید اشرافی را از جنوب به وسیله کاروان‌های بازرگانی دریافت می‌کرد. از این رو، در قرآن کریم این هر دو گونه توحید (عددی و اشرافی) به روشنی دیده می‌شود. برخی از یاران فقیر پیغمبر که از موالی و نیم‌بردگان بودند و چنان که گفتم به «اهل صُفه» شهرت می‌داشتند، پس از مرگ پیغمبر طرفدار حکومت خاندان محمد (ص) بوده و به اندیشه‌های گنوستیک و توحید اشرافی تمایل داشته؛ یا طوری بوده که بعدها ممکن شد، حدیث‌های گنوستیک را بدیشان نسبت دهند.

## پیروزی اندیشه توحید عددی پس از مرگ پیغمبر (ص)

۶- پیروزی اندیشه توحید عددی پس از مرگ پیغمبر (ص): پس از آن که اشراف عرب در انجمن سقیفه بنی‌ساعده حکومت خلفا را روی کار آوردند و خاندان پیغمبر را کنار نهادند، کم‌کم اندیشه توحید عددی که طرز تفکر آرامیان شمال شبه جزیره عرب می‌بود بر حکومت اسلام تسلط یافت، آیات اشرافی قرآن در درجه دوم اهمیت نهاده و متشابه خوانده شد تا آن جا که دیده می‌شود، بسیاری از آیات که سیاری و دیگران مدعی حذف آن‌ها به وسیله عثمان از قرآن کریم شده‌اند، جنبه اشرافی و تنزیهی دارد<sup>۱</sup>. از آن پس نیز یکی از اختلاف‌های ۱۴ قرن میان گنوسیست‌ها (شیعه و صوفی) و سُنیان، تعیین محکم و متشابه آیات بوده است.

گنوسیست‌ها آیات اشرافی را محکم و آیات به ظاهر عددی را متشابه می‌دانند و سُنیان به عکس این انجام می‌دادند.

<sup>۱</sup> احمد سیاری از یاران امامان دهم و یازدهم است (رجال قهپایی، ج ۱، ۱۴۹ - ۱۵۰) بسیاری از مطالب و نام کتابش القراءات است (ذریعه، ج ۱۷، ۲۵) و در فصل الخطاب حاجی نوری برگه ۳۲۷ - ۳۲۹ نیز نقل شده است.

## گنوسیزم ایرانیان و تسنن عرب‌ها

۷- گنوسیزم ایرانیان و تسنن عرب‌ها: در سه قرن نخستین اسلام که حکومت به دست اشراف ایلات عرب می‌بود، خداشناسی سامیان شمال، مذهب رسمی خلفا قرار گرفت. از این‌رو، توحید عددی، مذهب اصیل اسلام شناخته شد و «سُنّت و جماعت» نام گرفت،

خداشناسی گنوستیک (توحید اشراقی) که جهان‌بینی توده‌های مردم در کشورهای واقع در مشرق فرات (که به دست عرب‌ها گشوده شده بود) به شمار می‌رفت، با این که در قرآن نیز کاملاً منعکس می‌باشد. بازهم خارج از اسلام شناخته شد و بدعت نام گرفت.

با همه کوشش خلفا برای ترویج توحید عددی و مبارزه با توحید اشراقی، باز هم روحیهٔ آبا و اجدادی مردم ساکن میان دو رود فرات و سند با توحید اشراقی سازگارتر می‌بود، اساس و ریشه پیدایش عقاید غیر سُنّی در دو قرن اول اسلام مانند مُرجیان، قَدْرَبان معتزله، غُلّات شیعه و ...<sup>۱</sup> همگی بر زمینهٔ توحید اشراقی این مردم نهاده شده، این گونه خداشناسی هر چند موافق نص صریح قرآن است؛ لیکن موافق روحیهٔ حکومت سامی دمشق و بغداد نمی‌بود و همیشه زیر پیگرد قرار داشت.

## مبارزهٔ خلفا با گنوسیزم

۸- مبارزهٔ خلفا با گنوسیزم: روشنفکران گنوسیست در سه قرن اول هجری که بازماندگان دانشگاه‌های جندی‌شاپور، سورا (میان بابل و تیسفون)<sup>۲</sup>، حران، نصیبین بودند و همواره زیر فشار خلفا بودند. از این‌رو، ایشان ناچار دانش‌های خویش را

<sup>۱</sup> برای توضیح بیشتر این فرقه‌ها که همگی از منطقهٔ شرق دجله تا سند برخاسته بودند، نک: نامه‌های عین‌القضات، ج ۳، مقدمهٔ منزوی، ۲۱ - ۲۷۴.

<sup>۲</sup> سردار، پس از تسلط عرب نیز کم و بیش مرکزیت علمی خود را نیمه مخفی و نیمه علنی نگاه داشته، در سدهٔ ۵هـ به صورت پایگاه گنوسیزم اسلامی بر ضد تسنن خلفای بغداد فعالیت داشته پشتیبان شیعیان کرخ بغداد می‌بود.

به زبان حاکم عربی می‌نوشتند و مخفیانه بر امام زمان خود، از فرزندان خانه‌نشین شدهٔ پیغمبر عرضه می‌داشتند و پس از گرفتن تأیید ایشان به نام احکام امضایی به مردم می‌رسانیدند؛ یا شبانه در مسجدها پخش می‌کردند.<sup>۱</sup>

نمونه‌ای از آن ترجمه‌ها را می‌توان در بخش حقوق «قانون‌نامهٔ» آبگار<sup>۲</sup>، در بخش گاه‌شماری نوروزیهٔ معلی بن خنیس، در بخش پزشکی ذهبیه و در بخش اخلاق مصباح الشریعة و مانند آن را نام برد.

برخی از آن جزوه‌ها که در آن روزگار نوشته شده و بر امامان شیعه عرضه شده بود، بعدها به نام چهار صد اصل نامیده شده و در چهار مجموعهٔ حدیث شیعی: کافی، من لایحضر، تهذیب، استبصار تدوین گردید.<sup>۳</sup>

نویسندگان چهار صد اصل یادشده بخشی از بازماندگان همان دانشگاه‌های یادشده می‌بودند که زندگانی نوین زیر سلطهٔ عرب به نام موالی آغاز کرده بودند. اینان از دیدگاه سیاسی طرفدار فرزندان پیغمبر و مخالف حکومت خلفا بوده و از نظر ایده‌تولوژی طرفدار اندیشه‌های هندوایرانی، توحید اشراقی تنزیهی و بر ضد معتقدات سامی تشبیهی بودند.

هنگامی که ترکان سلجوقی سنی به تحریک خلیفه بر شیعیان بغداد تاخته، آل‌بویه را نابود کرده، کتابخانهٔ شاپور را به آتش کشید، کردان سورا و حومه‌اش مطیرآباد، اسدآباد و نیل بهترین پناه‌گاه شیعه بودند. ایشان برای رهایی از تسلط ترکان سلجوقی و عباسیان، به رهبری بساسیری قیام کرده، به سال ۴۵۰ق خلافت عباسی را الغا کرده و به نام فاطمیان مصر خطبه خواندند. (کامل فی التاریخ، ابن‌اثیر، همان سال)

ابوالفتح و رام سردار ایشان از خلفای مصر خلعت گرفته، نامه‌های داد و ستد شده میان وی و هبة‌الله شیرازی (د: ۴۷۰ق) داعی اسماعیلیان فاطمی مصر که در سیرهٔ المؤیدیهٔ چاپ شده، گنوسیزم ایشان را نشان می‌دهد، پس از تسلط مجدد سلجوقیان و عباسیان بر بغداد، کردها عقب‌نشینی کرده، شهر حله را در سال ۴۸۵ق در نزدیکی سورا بساختند. (معجم البلدان، یاقوت حموی، ترجمهٔ منزوی، ج ۲، ۲۱۹ - ۲۲۰)

از آن گاه حله مرکز تشیع گردید. (طبقات أعلام الشیعة، سدهٔ هفتم، برگهٔ ۸ و ۱۹۸)

در سدهٔ ۷هـ خاندان علمی شیعی آل طاوس و در سدهٔ ۸هـ خاندان «آل‌نما» از همین کردان سورا در حله بیرون آمدند. علامهٔ حلی (د: ۷۲۶ق) مدرسهٔ سیاره را از آن جا به حرکت آورد و به وسیلهٔ دربار غازانی مذهب تشیع را رسمیت داد.

فاضل مقداد سیوری (د: ۸۲۶ق) صاحب تفسیر کنز العرفان نیز بدان جا نسبت دارند.

<sup>۱</sup> تثبیت دلائل النبوة، عبد الجبار معتزلی (د: ۴۱۵)، برگهٔ ۲۵۷.

<sup>۲</sup> قانون‌نامهٔ آبگار، کهن‌ترین قانون کیفر ایرانی، علی‌نقی منزوی، مجلهٔ کاوه، مونیخ، سال دهم، شمارهٔ پنجم، شمارهٔ ردیف ۴۴، آذرماه ۱۳۵۱، شوال ۱۳۹۲، نوامبر ۱۹۷۲، برگه‌های ۴۴۰ - ۴۴۶.

<sup>۳</sup> الذریعة، ج ۲، ۱۲۵ - ۱۶۷.

## برخی از اصول گنوسیستی

۹- برخی از اصول گنوسیستی: مسائل ایده‌ئولوژیک بسیار می‌بود که میان مردم بومی گنوسیست ایران و حکام عرب تازه وارد از صحرا، مورد اختلاف بود. گر چه در میان خود گنوسیست‌ها نیز در همهٔ مسائل اتفاق نظر نبود، ولی فرقه‌هایی که در بند ۷ یاد کردیم کم و بیش در مسائل زیرین اتفاق نظر می‌داشتند:

## نخست) دوام فیض

بر طبق این اصل خدا همیشه فیاض بوده و خواهد بود، پ:

**الف:** جهان که فیض خداست ازلی و ابدی است.

ایشان جاودانگی جهان را با هژده دلیل پرکلس اثبات می‌کردند<sup>۱</sup>.

**ب:** وجود رابط (پیغمبر، امام، قطب و پیشوا) فیض است، پس هیچ‌گاه زمین از حجت خالی نمانده و نخواهد ماند.

حکومت خلفا این اصل و دو نتیجهٔ آن را کفر شمرد؛ زیرا که درستی خلافت ایشان بر این پایه استوار بود که پس از مرگ پیامبر (ص) دورهٔ فترت است، پس باید خلیفه گزید.

**گنوسیست‌ها می‌گفتند:** فترت غلط است، خدا مردم را فراموش نمی‌کند.

## دوم) عدل و لطف

بنا بر یک اصل کهن ایرانی: از یزدان جز مهر و از اهرمن جز کین نیاید، پس:

**الف:** فرمان دادن به کاری ناشدنی؛ یا به شخص ناتوان؛ یا به کاری ناشایست، ظلم است و از خدا برنیاید؛

**ب:** بر خدا واجب است که رئیس مدینهٔ فاضله امام را هنگام القای دستور به وسیلهٔ فرهٔ ایزدی از خطا معصوم دارد تا جامعه به تباهی نگراید؛

<sup>۱</sup> پرکلس نتوافلاطونی (۴۰۵-۴۲۹ پ.م) از زروانیان ایرانی متأثر بوده است. (ابن ندیم، کتاب الفهرست، چ. فلوگل، ۲۵۴؛ تاریخ الحکماء، قفطی، چ. لپرت، برگهٔ ۸۹؛ ترجمهٔ دورهٔ سلیمان میرزا صفوی، برگهٔ ۱۲۵) او را قائل به دهر (زروان‌گرا) خوانده‌اند و نه دلیل از هژده دلیل پرکلس را که اسحاق فرزند حنین به عربی ترجمه کرده است، عبدالرحمان بدوی در کتاب الافلاطونیه المحدثه عند العرب، ج ۱، ۳۴-۴۲ چاپ کرده است. (نک: بند ۱۱، برگهٔ ۱۳-۱۴)



سوم) حُسن و قبح

نیکی و بدی طبق اصول ثنوی واقعیت دارد. انسان با عقلی که دارد در انتخاب هر یک مختار و آزاد است و این اختیار دلیل مسئولیت اخلاقی و قانونی او است، در صورتی که مذهب سنی حاکم، در دمشق و بغداد، خدا را جبار، عنید و فعال ما یشاء می‌داند و انسان را مجبور و آلت فعل می‌شمرد.

#### چهارم) متافیزیسیم و روحانیت

مردم ساکن در شرق فرات تا رود سند، مفاهیم لاهوت، جهان ملکوت، روح انسانی، کیفر و پاداش آخرت را روحانی و متافیزیک تصور می‌کردند<sup>۱</sup>، اما حکام و خلفای عرب و مذهب رسمی سنی آن‌ها همه این‌ها را مادی و طبیعی فرض می‌کرد. روح جزء الهی در انسان است و هر کس دانتر است، جزء الهی در او بیشتر است. رئیس مدینه فاضله اعلم همه مردم است، چون جزء الهی در او بیشتر از دیگران است<sup>۲</sup>، اما حکام عرب که بی‌سواد بودند، این نظریه‌ها را کفر می‌شمردند؛ زیرا که تاج و تختشان را می‌لرزانید.

#### پنجم) حادث بودن کلام الله

کلام الله، منظور قرآن مجید و قوانینی که در بند ۲، برگه ۴ بدان اشارت رفت.

<sup>۱</sup> نک: الاضحویة فی المعاد، ابوعلی ابن سینا، حسین (۳۷۰ - ۴۲۸ق)، تحقیق سلیمان دنیا، قاهره، ۱۹۴۹؛ ترجمه رساله اضحویه، نویسنده ناشناس، پارسی تصحیح به همراه تعلیقات حسین خدیوچم بر اضحویه، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۰خ؛ آغاز و انجام، خواجه نصیرالدین طوسی محمد فرزند محمد فرزند حسن، (۵۹۷ - ۶۷۲ق)، تهران، ۱۳۳۵خ؛ تصحیح حسن حسن‌زاده آملی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ چهارم، ۱۳۷۴خ؛ کشف المحجوب، علی فرزند عثمان فرزند علی جلابی هجویری غزنوی، داتا گنج‌بخش، زوکوفسکی، چ لنین‌گراد، ۱۹۲۶م؛ دیگر: تصحیح محمدحسین تسبیحی، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام‌آباد، ۱۳۷۴خ؛ دیگر: تصحیح محمود عابدی، انتشارات سروش، ۱۳۸۳خ.

<sup>۲</sup> مدینه فاضله فارابی: مدینه فاضله فارابی، علینقی منزوی، مجله کاه، شماره ردیف ۴۳، مونیخ، سال ۱۰، شماره چهار، مهرماه ۱۳۵۱خ، شعبان ۱۳۹۲، سپتامبر ۱۳۷۲، برگه ۳۲۰ - ۳۲۹؛ آراء أهل المدينة الفاضلة، مبادی آراء أهل المدينة الفاضلة، ابونصر محمد فرزند طرخان فرزند اوزلغ فارابی (۲۵۹ - ۳۳۹ق / ۸۷۳ - ۹۵۰م)، مطبعة الكاتولیکية، بیروت، ۱۳۷۸ق / ۱۹۵۹م.

## فلسفه سیاسی در حکومت ساسانی و خلفا

۱۰- فلسفه سیاسی در حکومت ساسانی و حکومت خلفا: اصول یادشده در دانشگاه‌های اسکندریه، حران، نصیبین، سورا و جندی‌شاپور تدریس می‌شد. ساسانیان فلسفه سیلسی حکومت خود را بر آن استوار کرده بودند. پادشاه از کودکی تعلیم می‌دید و با ادعای دروغین فرۀ ایزدی در خانواده‌اش، خود را از نظر جزء الهی و دانش برتر از دیگر مردم می‌شمرد. شهرستانی از این مقام به «نبوة ملوک الفرس» تعبیر کرده است.<sup>۱</sup>

در دو سده اول یورش عرب، بی‌سوادی مطلق خلیفگان امکان استفاده از ادعای دروغین ساسانیان را نیز از ایشان سلب کرده بود و به موالی و بازماندگان دانشگاه‌های نام‌برده زمینه و توانایی می‌داد که خلفای جاهل را غصب‌کننده حکومت از فرزندان دانشمند پیغمبر بشمرند؛ زیرا که به موجب اصل اول (دوام فیض) و اصل چهارم (روحانیت)، رئیس مدینه فاضله حتماً باید دارای نور محمدی (فرۀ ایزدی) باشد. این جز در فرزندان محمد (ص) نخواهد بود.

اصل دوام فیض نه تنها قانونیت حکومت خلیفگان را مشکوک می‌نمود؛ بلکه افسانه توراتی خلقت جهان را که وارد سنت اسلام شده، در پیشانی سیاست مذهبی خلفا جاگرفته بود، با نظریۀ ازلیت فیض و جاودانگی جهان بر باد می‌داد و فلسفه سیاسی حکومتشان را متزلزل می‌کرد. از این رو، خلفا با تمام نیرو، انواع کشتار، شکنجه و زنده‌سوزی با آن به مقابله پرداختند.

## قلم به جای شمشیر

۱۱- قلم به جای شمشیر: در آغاز سده سوم که شمشیر عرب به غلاف رفته بود، خلفا خواستند به جای آن، در برابر گنوسیزم اسلامی ایرانی، یک تکیه‌گاه ایده‌تولوژیک بسازند. ایشان در این راه از پسرعموهای سریانی خود استفاده کرده با تحمل همه مخالفت‌های سنیان سلفی با فلسفه و به نوعی با فلسفه مشاء ارسطو دست زدند، مثلاً ایشان رسالۀ ۱۸ مقاله‌ای تألیف یحیای گراماتیک (نحوی) یهودی را که به سال ۵۲۹م در ردّ پریکلس ساخته بود، به عربی ترجمه کردند تا تکیه‌گاهی برای افسانه توراتی خلقت جهان و بر ضدّ نظریۀ ایرانی ازلیت فیض و جاودانگی جهان باشد.

<sup>۱</sup> ملل و النحل، ج ۱، ۲۴۰، ترجمۀ فارسی ترکه، چ. جلال نایینی.

یحیا در این رساله پریکلس را هم‌مذهب بسیاری از ایرانیان (شاید زروانیان) شمرده است.<sup>۱</sup> کار یحیا در این رساله باطل کردن اصل ایرانی ازلیت فیض بود که پریکلس آن را با هژده دلیل ثابت می‌کرده است. (نک: برگه ۴، حاشیه) شهرستانی هشت دلیل از هژده دلیل پریکلس را به نام شبهه‌های پریکلس در جاودانگی جهان آورده است.<sup>۲</sup> میرداماد (د: ۱۰۴۱ق) در قبسات همان‌ها را به صورت نه دلیل آورده است.<sup>۳</sup> عبدالرحمان بدوی نیز نه دلیل پریکلس را از ترجمه اسحاق بن حنین در کتاب افلاطونیه چاپ کرده که اندکی با نقل شهرستانی فرق دارد.<sup>۴</sup>

**ابن‌میمون فیلسوف و متکلم یهودی (۵۳۰ - ۶۰۲ق) می‌گوید:** چون استدلال‌های یحیای نحوی به سود ما (یهودیان و عرب‌ها) می‌بود، خلیفگان عرب دانشمندان را به ترجمه آن واداشتند، ولی متأسفانه عرب‌ها گرفتار علم کلام شدند، چنان که مسیحیان دچار ثلوث شده بودند، ولی ما (یهودیان) جز به اثبات خدا و معجزات نیازی نداریم.<sup>۵</sup> پیدا است که ناراحتی ابن‌میمون از علم کلام اسلامی و ثلوث مسیحی، جنبه‌های گنوسیستی هندوایرانی و تنزیهی این مکتب‌ها می‌باشد.

بدوی به درستی نشان داده است که ردکنندگان فلسفه از متکلمان اسلام، چون غزالی، ابوالبرکات یهودی، شهرستانی همه از یحیای نحوی متأثر بوده‌اند. ابوالخیر خمار در مقاله‌ای که در رد متکلمان سنی نگاشته و دلیل‌های آنان را درباره حدوث جهان باطل کرده، می‌گوید: سخنان یحیای نحوی نسبت به سخنان متکلمان سنی درست‌تر به نظر می‌رسد.<sup>۶</sup>

<sup>۱</sup> ماللهند، بیرونی، چ. هند، ۱۹۵۸م، برگه ۲۸.

<sup>۲</sup> ملل و النحل، چ. در حاشیه ابن‌حزم، ج ۳، ۷۸-۸۱؛ چ. فارسی، برگه ۳۵۰-۳۵۹.

<sup>۳</sup> قبسات، میرداماد (د: ۱۰۴۱ق)، چ. نک‌گیل، برگه ۲۷۱-۲۷۳.

<sup>۴</sup> الافلاطونیه المحدثه عند العرب، عبدالرحمان بدوی، ج ۱، ۳۴-۴۲.

<sup>۵</sup> دلالة الحائرین، ابن‌میمون، ابوعمران موسی فرزند میمون فرزند عبدالله قرطبی اسرائیلی قرطبی اندلسی (۵۳۰-۶۰۳ق / ۱۱۳۵-۱۲۰۵م)، تصحیح حسین اتای، استانبول، ۱۹۷۴م، برگه ۱۸۵. هم‌چنین چ. دیگر در مصر، مكتبة الثقافة الدينية، قاهره. دلالة الحائرین، ابن‌میمون؛ ترجمه فرانسوی مونک *Guide des è garè s 2: 304, Munk*.

<sup>۶</sup> مقاله ابوالخیر خمار، چ. عبدالرحمان بدوی در کتاب الافلاطونیه المحدثه عند العرب، ج ۱، ۲۴۶.

مبارزه گنوسیست‌های ایران علیه اندیشه توحید عددی آرامی یحییای نحوی یهودی و پیروان سنی او، به کوشش ابوالخیر خمار (۳۳۱ - ۴۴۰ ق) و ابن سینا (۳۷۰ - ۴۲۸ ق) ختم نشد؛ بلکه خواجه نصیرالدین طوسی (۵۹۷ - ۶۷۲ ق) را می‌بینیم که کتاب‌ها در دفاع از گنوسیزم فارابی (د: ۳۳۹ ق) و ابن سینا و ردّ بر سنی‌نمایی‌های غزالی (۴۵۰ - ۵۰۵ ق)، ابن ملکا (۴۸۰ - ۵۶۰ ق)، فخر رازی (۵۴۵ - ۶۰۶ ق) و ابهری نگاشته است.

این کشاکش تا سده ۱۱ هـ در عهد صفوی ادامه یافته، میرداماد (د: ۱۰۴۱ ق) کتاب قبسات را در اثبات نظریه ایرانی فیض که مستلزم جاودانگی جهان است، نگاشته، ولی از ترس سنیان و سنی‌زدگان عنوان کار خویش را اثبات حدوث دهری جهان نهاده است، در صورتی که همه دانند حدوث دهری همان ازلیت زمانی است.

آقاجمال خوانساری فقیه (د: ۱۱۲۵ ق) پس از میرداماد، برای راضی کردن شاه صفوی که می‌خواست برای عثمانیان سنی و برخی از شیعیان سنی‌زده ایران، چنین بنمایاند که ما شیعیان نیز قائل به حدوث زمانی جهان هستیم، پس سنی‌مآبانه گفتاری در ردّ بر داماد نگاشته، حدوث زمانی جهان را عقیدتی واجب‌الاذعان خواند، سپس ملا اسماعیل خواجه‌جویی (د: ۱۱۷۳ ق) رساله‌ای در دفاع از میرداماد نگاشته، هم‌چون یک گنوسیست حدوث دهری را اثبات و حدوث زمانی جهان را انکار نموده، رساله را ابطال الزمان الموهوم نامید. نسخه این کتابچه خواجه‌جویی در کتابخانه مرعشی در قم است<sup>۱</sup> و فتوکپی آن را به من لطف فرموده‌اند. اخیراً به کوشش استاد بزرگوار سید جلال‌الدین آشتیانی در جلد چهارم منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران در دانشگاه مشهد، سال ۱۳۵۷، برگه ۲۳۵ - ۲۹۱ چاپ و منتشر شد.

نباید در این جا مسأله نسبت را فراموش کرد؛ زیرا نه صف فارابی، ابن سینا، خواجه و داماد شدیدترین گنوسیست‌ها می‌بودند و نه صف مقابل ایشان: غزالی، ابن ملکا، فخر رازی و ابهری قشری‌ترین سنیان هستند؛ بلکه ابویعقوب سجستانی و حمیدالدین کرمانی و دیگر دانشمندان اسماعیلی، فارابی و ابن سینا را سنی قشری می‌شمردند و قشریانی دیگر را متأخر، هم‌چون تیمیه و وهابیان صحرای عربستان صف غزالی - ابهری را نیز باطنی رافضی و بالاخره ملحد می‌نامند.

<sup>۱</sup> الذریعة، ج ۱، ۶۸.

## سبب بدبینی اشراقیان نسبت به فلسفه مشاء

۱۲- سبب بدبینی اشراقیان نسبت به فلسفه مشاء: بازگردیم به دنباله سخن از قرن سوم که خلیفگان عرب، پس از جانشین کردن تسنن معتزلی به جای تسنن سلفی فلسفه مشاء یونان را به صورت علم کلام پشتیبان آن قرار داده، آن را هم چون تازیانه به دست فقیهان دربار دادند تا برای دفاع از قشریات مذهب سنی به کار برند.

شاید بتوان همین جریان را یکی از علت‌های آن بدبینی سخت‌گنوسیست‌ها نسبت به فلسفه یونان شمرد تا آن جا که در قرن هفتم عطار را می‌بینیم، می‌گوید:

کاف کفر، ای جا به حق معرفت  
دوست‌تر دارم ز فای فلسفت

مأمون عباسی و برادران معتزلی او با ترجمه فلسفه مشاء و رسمیت‌دادن مذهب معتزله سبب هم‌صدا شدن گنوسیست‌های خردگرای ایرانی را با سنیان سلفی عرب فراهم ساخت. از این تاریخ به بعد، گنوسیست‌ها و سلفیان، با آن که ۱۸۰ درجه اختلاف میان ایشان بود، هر دو در برابر معتزله و فلسفه مشاء قرار گرفتند. در این دوره خلفای معتزلی با تکیه بر مذهب و فلسفه مشاء، گنوسیست‌های ایرانی را به نام زندیق، بی‌دین، و سلفیان عرب، مانند احمد حنبل مروزی را با کودتای متوکل به سال ۲۳۲ق به نام حشوی، خرافاتی می‌کوبیدند.

## کودتای سلفیان

۱۳- کودتای سلفیان و واکنش گنوسیست‌های مسلمان: پس از مرگ مأمون در ۲۱۸ق چند سالی نگذشت که در سال ۲۳۲ق با به تخت نشستن خلیفه متوکل عباسی، دوباره کار به دست سلفیان افتاد، شیعه‌کشی و هنرشکنی و کتاب‌سوزی از نو آغاز گردید.

متوکل عباسی همه نیمه‌گنوسیست‌های معتزلی را که او را به تخت رسانیده بودند، برخی از آنان به مقام وزیری نیز رسیده بودند، به زندان افکنده، برخی را زیر شکنجه بکشت و برخی در به در و پنهان شدند. از آن پس کارهای ولایات، به جز خراسان و آل طاهر به دست قشرگراترین سلفیان سپرده شد.

متوکل به سال ۲۳۶ق قبر سید شهادت امام حسین (ع) را بدین بهانه که گنوسیست‌ها آن جا را هنرکده تصویر امامان کرده و همانند بتخانه ساخته‌اند، همانند جانشینان وهابی او در روزگار ما، همه را ویران کرده به آب کشاورزان بست.

واپس‌گرایی‌های متوکل، هر چند به جامعه زیان بسیار زد؛ لیکن نتوانست، مرده‌عادات سلفی را که به دست حکومت سی ساله معتزله دفن شده بود، زنده کند؛ بلکه فرایند وارونه نیز داشت، از میان خردگرایان مسلمان ایران که من در این مقال گنوسیست‌های مسلمان می‌نامم، در بغداد، نیشابور و ترمذ (ماوراء النهر) چند دانشمند فارسی‌زبان عربی‌نویس برخاستند که سه تن ایشان شهرتی بیشتر یافتند:

۱. اشعری، علی پسر اسماعیل (۲۶۰ - ۳۲۴ق) در بغداد؛

۲. کزّامی، محمد سیستانی (د: ۲۵۵ق) در نیشابور؛

۳. ترمذی، محمد (۲۰۹ - ۲۷۹ق) در فرارودان.

این سه تن اصلاح‌گر تا نیمه سده ۵ه از طرف سلفیان خلیفه مطرود بوده و به عنوان بدعت‌گزار، رافضی و ملحد خوانده می‌شدند. خواجه نظام‌الملک طوسی (۴۰۸ - ۴۸۵ق) پس از تأسیس نظامیه بغداد (۴۵۷ق)، مذهب اشعری را رسمیت داده، دو مذهب دیگر به فراموشی سپرده شد و امروز مذهب رسمی تمام سنیان است.

نقش عمده اصلاح‌گرایان آن بود که مسائل جای گفتگوی آن روزگار را با الفاظی سنی سلفی‌پسند بیان کرده، معتزلیان پیش از متوکل را به باد دشنام گرفته، بدعت‌گزار، رافضی، مجوسی و خود را مسلمان سنی سلفی نامیدند. از سوی دیگر ایشان همان الفاظ سلفی نما را با کاستن از محتوای علمی به گونه‌ای تفسیر می‌کردند که به خواسته معتزله نزدیک شود و برای مردم خردگرای ایران قابل پذیرش باشد.

**اینک چند نمونه از مسائلی که جای گفتگو بود و دیدگاه هر یک از سه گروه:**

**الف:** آیا قرآن کریم و قوانین، قدیم (ازلی و ابدی) است؛ یا حادث و عوض‌شدنی؟

**پاسخ سلفی:** قدیم و ازلی و ابدی است.

**پاسخ معتزلی:** حادث است و تغییرپذیر.

**پاسخ اصلاح‌گرا:** نزد خدا قدیم و نزد مردم حادث است.

**ب:** آیا حُسن و قُبْح عقلی است؛ یا شرعی؟

**پاسخ سلفی:** شرعی است.

پاسخ معتزلی: عقلی است.

پاسخ اصلاح‌گرا: شرع خوب و بد را معین می‌کند. عقل نیز مانند شرع حکم می‌کند.

### عقب‌نشینی عباسیان در برابر گنوسیسم

۱۴- عقب‌نشینی عباسیان در برابر گنوسیسم: خشونت‌های سلفیان متوکلی که گنوسیست‌های ایرانی بین‌النهرین را به ظاهر خاموش کرد، جنبش گنوسیست‌های تندرو و نخشبیان خراسان و قرمطیان کوفه را در پی داشت و از آن‌ها مهم‌تر قیام خونین سیاه‌پوستان بصره - اهواز (۲۵۵ - ۲۷۰ق) را پدید آورد که تاج و تخت عرب را به ارزه درآورد و خلیفگان بغداد را به بازنگری در سلف‌پرستی وادار کرد<sup>۱</sup>.

غیبت صغری امام دوازدهم در سال ۲۶۰ و اعلام غیبت کبری در سال ۳۲۹ق شیعیان دوازده امامی را از لیست سیاه دشمنان عباسی درآورده به خاندان‌ها بزرگ غرب ایران که اسلام را از آغاز کار به صورت گنوسیستی آن پذیرا شده و مقامات اجتماعی و اقتصادی خود را حفظ کرده بودند، اجازت داد تا در کابینه‌های دولت عباسی بغداد در حدّ وزیر و دبیر شرکت جویند.

فرائیان در وزارت، نوبختیان در دبیری، آل‌زارره و برقیان در حدیث و جُنیدیان در فقهت، برقیان و عمیان و یقطنیان در روایت حدیث‌ها، مقام‌هایی بلند احراز کردند و تألیفاتی بزرگ برای شناخت این خاندان‌ها نوشته شد، مانند: عباس اقبال خاندان نوبختی و محمدعلی موحد ابطحی در برگه ۲۴۲۲ به سال ۱۴۰۰ق<sup>۲</sup> و محمدرضا جلالی حسینی به سال ۱۴۱۱ق<sup>۳</sup>، برگه ۳۵۶ هر یک کتابی درباره خاندان زراره نگاشتند که بدبختانه دو کتاب اخیر به زبان عربی است و نیز برای خاندان برقی

<sup>۱</sup> جنبش بردگان زنگی در جنوب (۱) (۲)، «جامعه معلمین» در راه فرهنگ نو جامعه، ج ۱، شماره ۸، خرداد ۱۳۳۲، برگه ۶۸ - ۶۱؛ «جامعه معلمین» در راه فرهنگ نو، ج ۱، شماره ۹، تیر ۱۳۳۲، برگه ۶۰ - ۷۶.

<sup>۲</sup> تاریخ آل زراره، درباره ابوغالب زراری فرزند اعین و خاندانش، محمدعلی موحد ابطحی (۱۳۰۹ - ۱۳۸۱خ). چ. اصفهان، ۱۳۹۹ق / ۱۹۷۸م.

<sup>۳</sup> رسالة أبي غالب الزراري إلى ابن ابنه في ذكر آل أعين مع تكميلتها، نوشته ابوغالب زراری، تحقیق محمد رضا جلالی حسینی، حوزه علمیه قم، مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی، قم، رجب ۱۴۱۱ق.

آقای محدث ارموی در پیش‌گفتار کتاب المحاسن برقی و نیز این ناچیز مقالی در ارج‌نامهٔ ایرج دارم، به امید روزی که برای هر یک از این خاندان‌ها که تأثیری شگرف در شکل‌دادن به آیین پدران ما داشته‌اند، کتابی تحقیقی پدید آید.<sup>۱</sup>

زندگی‌نامهٔ کوتاه هر یک از افراد این خاندان‌ها در پنج کتاب رجال‌شناسی شیعه: برقی (د: ۲۸۰ق)؛ رجال غضایری کاسه‌گر (د: ۴۱۱ق)؛ رجال نجاشی (د: ۴۵۰ق)؛ رجال طوسی (۳۸۰ - ۴۶۰ق)؛ رجال نجاشی (د: ۴۵۰ق) هر یک جداگانه و همگی با هم در مجموعهٔ رجال فهپایی چاپ و پخش شده است.

### گنوسیسم در زیر پردهٔ مشاء

۱۵- گنوسیسم در زیر پردهٔ مشاء: گروهی دیگر از خردگرایان نیز که نمی‌خواستند به عقب‌نشینی اشعری تن دهند، برای استفاده از حمایت سیاسی خلفا دست به مانور دیگری زدند، پس به منظور استفاده از مصونیت مذهبی که مأمون عباسی و جانشینانش به فلسفهٔ مشائی یونان داده و آن را پشتیبان مذهب سنی دولتی اعلام کرده بودند، گروهی از خردگرایان اندیشه‌های اشراقی هندوایرانی خود را به نام بخشی از فلسفهٔ مشاء و نظریات ارسطو جا زدند. از آن تاریخ به بعد بسیاری از آثار گنوستیک و اشراقی و نئوافلاطونی که در جندی‌شاپور و سورا، به رنگ اصلی هندوایرانی خود بازگشته بود، مانند ائولوگیا و دیگر آثار افلوپین به نام فلسفهٔ مشاء و نظریات ارسطو پخش گردید.

خاورشناسان امروز انتساب آثار گنوسیستی و نئوافلاطونی را به ارسطو ناشی از جهل فیلسوفان اسلام می‌شمردند، ولی با توجه به این که فارابی مسائلی از گنوسیزم را به یونانیان و ارسطو نسبت داده که هندوایرانی و حتی اسلامی بودن آن‌ها نمی‌توانست بر فارابی پوشیده باشد، راهی برای توجیه کار فارابی، جز ترس او از خلفای عرب و این که او برای جلب مصونیت مذهبی برای اندیشهٔ ناشنی خود دست بدین کار زده است، نمی‌توان اندیشید.

این تئورسین مذهب شیعه حتی مسألهٔ امام‌خانه‌نشین شده را که از مختصات دوران اسلامی ایرانیان است، از موارد اتفاق نظر افلاطون و ارسطو به شمار آورده است، نسبتی که انسان را به یاد متلک قرآن کریم به خط حضرت یوسف می‌اندازد.

<sup>۱</sup> خاندان کارکیا در گیلان (۷۶۰-۹۹۹ق)، علی‌نقی منزوی، گیلان‌نامه، جلد دوم، مجموعه مقالات گیلان‌شناسی، رشت، ۱۳۶۹خ، برگهٔ ۵۱۴-۴۲۵؛ خاندان‌های بزرگ ایران ساسانی در سده‌های آغازین پیروزی عرب، علی‌نقی منزوی، ارج‌نامهٔ ایرج، به خواستاری محمدتقی دانش‌پژوه و عباس زریاب‌خویی، به کوشش محسن باقرزاده، انتشارات توس، تهران، ۱۳۷۷خ، ج ۲، برگهٔ ۷۴۳-۷۵۴.



آری فارابی در آن جا که ریاست مدینه فاضله را حق عالم‌ترین مردم شمرده، می‌گوید: اگر کسی نالایق در رأس مدینه قرارگرفت، چنین مدینه، فاضله نبوده؛ بلکه مدینه جاهله؛ یا فاسقه؛ یا ... خواهد بود، پس در این صورت باز هم اندیشمندترین مردم امام و پیشوای معنوی ملت است، هر چند که خانه‌نشین باشد.

فارابی در این جا می‌افزاید که این نظر مورد توافق افلاطون و ارسطو می‌باشد.<sup>۱</sup>

**۱۶- رسمیت یافتن اشعری:** همواره خشونت‌های خلفای عرب تا آن جایی بود که با آن همه تقیه و پرده‌پوشی، نه تنها فارابی گنوسیست نتوانست در بغداد زندگی کند؛ بلکه اشعری با آن همه قشری‌گری نیز تا یک سده پس از مرگش مورد نفرت و کینه‌توزی ایشان می‌بود تا آن که خواجه نظام‌الملک طوسی دانشگاه‌های نظامیه را در سال ۴۵۷ق تأسیس کرد و مکتب اشعری را به جای مذهب سنی سلفی رسمیت بخشید؛ البته منظور نظام‌الملک طوسی از تأسیس آن دانشگاه‌ها دو چیز بود:

۱- منصرف کردن مردم از حوزه‌های درس شیعیان اسماعیلی، که از کوه‌های قاینات تا الموت، کتاب‌های فارابی، ابن‌سینا، کرمانی، سجستانی را تدریس می‌کرد.

۲- تثبیت تسنن سیاسی در ایران، یعنی پابر جانمودن حکومت خلفای عرب بر ایران؛ لیکن بهر حال رسمیت یافتن مکتب اشعری ایده‌ئولوژی پوسیده تسنن سلفی عرب را نیز به خاک سپرد و مردم را از شر قشریات خشک و بی‌روح آن‌ها رها کرد.

دانشگاه‌های نظامیه، غزالی‌ها را واداشت تا گنوسیزم ایرانی را به لباس سنی در آوردند تا عرب‌پسند شود، گرچه غزالی (۴۵۰ - ۵۰۵ق) جنبه سیاسی تسنن، یعنی حکومت خلفای عرب را پذیرفت، ولی در برابر آن، فلسفه ایرانی گنوسیزم را نیز بر عرب‌ها تحمیل کرد. او راه را برای پیشرفت آینده گنوسیزم بازتر کرد، هر چند غزالی در رساله الطیر خود، گامی از اتصال پیش‌تر نرفت؛ لیکن او راه را برای عطار باز کرد، تا با صراحت بیشتر دم از اتحاد بزند.

<sup>۱</sup> تحصیل السعادة، فارابی، حیدرآباد دکن، ۱۳۴۵ق، برگه ۴۶ - ۴۷.

## زیست‌نامه

شادروان فروزان‌فر در مقدمهٔ تحلیل خویش، با بیان این نکته که عطار مرد آیندگان است نه مرد زمان خودش و نه زمان ما، نشان می‌دهد که او نیز مانند خود عطار گرفتار فشارهایی بوده که نمی‌گذارند آن هسته را از پوست بیرون آرد. او در مجالس دوستانه از این فشار آشکارتر ناله می‌کرد و ما را نیز به در نظرگرفتن آن اندرز می‌فرمود، اما من فکر می‌کنم سرعت پیشرفت زمان در عصر ما به اندازه‌ای است که اجازه می‌دهد؛ بلکه ایجاب می‌کند که مسائل تا اندازه‌ای پوست‌کنده‌تر مطرح گردد و گرنه حس تنفر از خرافات که ناشی از آشنایی مردم با علوم روز است، خشک و تر فرهنگ ما را خواهد سوزاند و نمونهٔ آن رفتاری است که کسروی و دکتر جوان و مانند ایشان با شعر و شاعری و تصوف و عرفان و به طور کلی با گنوسیزم ایرانی از خویش نشان دادند.

منطق الطیر عطار یک نمایشنامهٔ فلسفی پر ارزش است که در قرن بیستم نیز هنوز نو و جالب است. می‌توان با جداکردن پوسته‌ها از آن و بر روی صحنه‌آوردن آن خدمتی شایسته به مردم انجام داد.

## زندگی مادی و معنوی عطار

همان طور که در مقالهٔ صوفیان بی‌سلسله<sup>۱</sup> یاد کردم، صوفیان برجستهٔ سدهٔ (۷۷ / ۱۳ م) همگی از مهندسان و پزشکان معروف روزگار خویش بوده و تنها برای مبارزه با خرافات و قشریات سنیان سلفی و ظاهریان، پرچم منطق اشراق را به دوش می‌کشیدند.

عطار یکی از این دانشمندان روشن‌رای و در عین حال واقع‌بین بوده است. او پزشکی ماهر و داروسازی زبردست بوده و چنان که از آثارش پیدا است، دارای اطلاعات عمیق ریاضی و نجومی و طبیعیات و روانشناسی و خلاصه فیلسوفی جامع و عالی مقام بوده است.

<sup>۱</sup> صوفیان بی‌سلسله و برخی ویژگی‌های ایشان، علی‌نقی منزوی، مجلهٔ کاوه، شمارهٔ ردیف ۴۵، سال ۱۱، شمارهٔ اول، نوروز ۱۳۵۲، ربیع الاول ۱۳۹۳، مارس ۱۹۷۳، برگهٔ ۷۷ - ۸۸.

جهان بینی او از بیخ و بُن با ایده‌تولوژی حاکم در آن روزگار ناسازگار بوده است.

او به خدای خارج از جهان که جهان آن را از عدم به وجود آورده باشد، معتقد نیست.

او مانند دیگر فلاسفه هندوایرانی خدا را در همین عالم؛ بلکه عین جهان می‌شمرد<sup>۱</sup> و با این طرز فکر چنان که در مقاله قضا و قدر<sup>۲</sup> نیز اشارت رفت مفهوم‌های، نبوت (به معنی اسرایلی آن) وساطت، شفاعت، هدایت، اضلال، استدراج، مکر خفی و جلی، که در ظاهر نصوص مقدس دیده می‌شود، باید همگی تفسیر و تأویل شود.

### عطار در مصیبت‌نامه، برگه ۲۲۰ گوید:

تو برون شو از میان کان ذات فرد بی‌رسولی تو داند گفت و کرد

این هنرمند عالی مقام، در تمام عمر خویش نان رنج و زحمت خورد و هنر خویش به صاحبان زر و زور نفروخت و زبان به ستایش امیر و وزیری نیالود و چون گربه بر سر خوان اغنیا نغنود.

### او در منطق‌الطیر گوید:

من ز کس بر دل کجا بندی نهم

نام هر دونی خداوندی نهم

نه طعام هیچ ظالم خورده‌ام

نه کتابی را تخلص کرده‌ام

همت عالیم ممدوحم بس است

قوت جسم و قوت روحم بس است

عطار دکان داروسازی داشت و مانند همه داروسازان آن روزگار، علم طب می‌دانست.

**گویند:** در پزشکی شاگرد مجدالدین بغدادی بوده است<sup>۳</sup>.

او در همان دکان داروفروشی به پزشکی اشتغال می‌ورزید.

<sup>۱</sup> اشراق هندوایرانی و نبوت اسرایلی، علی‌نقی منزوی (۱۳۰۲-۱۳۸۹خ)، مجله کاوه، مونیخ، شماره ۳۶، سال ۹، مرداد ۱۳۵۰، جمادی‌الثانی ۱۳۹۱، اوت ۱۹۷۱، برگه‌های ۲۱۸-۲۲۴.

<sup>۲</sup> قضا و قدر در ادبیات فارسی، علی‌نقی منزوی، مجله کاوه، مونیخ، شماره ۴۱-۴۲، س ۱۰، مرداد ۱۳۵۱خ، شمارگان برگه‌ها با اعداد رومی XIV-I، پس از برگه ۱۶۸.

<sup>۳</sup> نسبت او به بغدادک خوارزم است (ریاض العارفین).

نبض مردم می گرفت و بیماری جسمی آنان را علاج می کرد.

**چنان که خود گوید:**

به داروخانه پانصد شخص بودند  
در عین حال در همان جا با خرافاتی که در مغزهای مردم آن روزگار انباشته بود، مبارزه می کرد.

**او در «خسرونامه» می گوید:**

بمن گفت: ای بمعنی عالم افروز  
طب از بهر تن هر ناتوان است  
وی منظومه‌های پر روح خویش را در دکان داروسازی خود سروده است، نه در سایه کاخ‌های حاکمان.

**او خود می گوید:**

مصیبت‌نامه کاندوه نهان است  
به داروخانه کردم هر دو آغاز  
الهی‌نامه کاسرار عیان است  
چه گویم زود رستم زین و آن باز

شک نیست که چنین دکانی به مرکز بحث‌های فلسفی تبدیل شده است. هر چند عطار فلسفه هندوایرانی خود را با پوسته‌ای از خرافات سامی پوشانیده، باز هم از گوشه کنار، نظریات حاد او هویدا می شده است و موجبات ناراحتی او را از طرف محتسبان دولتی و قشربان ظاهری فراهم می کرده است، چه بسا همین امر سبب برهم خوردن دکان داروسازی او را فراهم می کرده باشد؛ لیکن سلسله‌بندان صوفی‌نما، به هم خوردن دکان عطار را به صورت نادرست نقل کرده و صوفی شدن عطار را پس از ترک دکان وانمود کرده‌اند، اما چنان که فروزان فر از اسرارنامه بیرون آورده است، عطار از پدر و مادر صوفی به وجود آمده است.<sup>۱</sup>

**چنان که خودش صریحاً می گوید:** از کودکی به تصوف علاقمند بوده است.<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> شرح احوال و آثار عطار، فروزان فر، برگه ۴.

<sup>۲</sup> تذکره الأولیاء، عطار، چ. لیدن، ج ۱، ۵.

## منطق الطیر

یا

مقامات طیبور

این نام یکی از مثنوی‌های عطار است که می‌توان آن را از بهترین آثار این فیلسوف شمرد، و در حقیقت یکی از جواهرات درخشان تاج ادبیات فارسی است.

عطار آن را در بحر رمل سروده و اندکی کم از پنج هزار بیت در بر دارد.

موضوع آن بیان نظر هندوایرانی و حدوث وجود، یعنی اتحاد خدا و جهان است.

واژه منطق الطیر از قرآن که در داستان سلیمان آمده، گرفته شده است؛ بنابر اساطیری که در سده‌های سوم تا هفتم میلادی در میان دیصانیان و مرقیونیان و دیگر مذاهب مرکب از ثنویت و تالوث، شهرت داشته است، این سلیمان اضافه بر پادشاهی، که تاریخ یهود حاکی از آن است، مقام پیغمبری هم داشته، زبان مرغان را نیز می‌فهمیده است.<sup>۱</sup>

در میان مأموران دولتی او، پرندگانی چون هدهد نیز وجود داشته که سمت خبرگزاری سلیمان را می‌داشته است.<sup>۲</sup>

## منطق الطیر یعنی زبان مرغان کنایت از:

- گفتگوکردن با مردم با زبانی است که عامه آن را فهم کنند؛

- و یا به زبانی است که محتسبان قشری و فقیهان ظاهری آن را درک نکنند؛

- و یا آن که دارای هر دو شرط، یعنی سهل و ممتنع بدین معنی باشد، که از طرفی چنان ساده باشد که بتواند عامه مردم را به جلو بکشاند و از طرفی چنان در لفافه خرافات پوشیده باشد که زبان محتسبان دولتی و فقیهان ظاهری را ببندد.

<sup>۱</sup> از قول سلیمان گوید: ای مردم! ما زبان پرندگان آموخته‌ایم (سوره نحل، شماره ۲۷، آیت ۱۶): وَ وَرَثَ سُلَيْمَانَ دَاوُودَ وَقَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ عَلَّمْنَا مَنطِقَ الطَّيْرِ وَأُوتِينَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْفَضْلُ الْمُبِينُ (۱۶) و سلیمان از داوود میراث یافت و گفت ای مردم ما زبان پرندگان را تعلیم یافته‌ایم و از هر چیزی به ما داده شده است راستی که این همان امتیاز آشکار است (۱۶).

<sup>۲</sup> سلیمان به سوی پرندگان نگریست و گفت: هدهد کجاست که او را نمی‌بینم؟ Z: سوره نحل، شماره ۲۷، آیت ۲۰: وَ تَفَقَّدَ الطَّيْرَ فَقَالَ مَا لِيَ لَا أَرَى الْهَدْدَ أَمْ كَانَ مِنَ الْغَائِبِينَ (۲۰) و جویای [حال] پرندگان شد و گفت مرا چه شده است که هدهد را نمی‌بینم؛ یا شاید از غایبان است؟

واژه «منطق الطیر» نام داستان‌هایی نیز شده که قهرمانان و بازیگرانش را مرغان تشکیل داده باشند، از این رو، سهروردی یک رساله خود را که نخستین داستان آن گفتگو در میان موران است لغت موران نامیده است.

**او در آغاز رساله دیگرش گوید:** چون سیمرغ زبان ندارد، من آن را «صغیر سیمرغ» (به جای منطق سیمرغ) نامیده‌ام. از این رو، برخی از سرایندگان هندی چنین آثار را طوطی‌نامه؛ یا هدهدنامه نامیده‌اند.<sup>۱</sup>

امروز نیز در اصطلاح بازاری «به زبان مرغی حرف زدن» همین معنی را می‌رساند، یعنی سخن را طوری گفتن که:

- **اولاً:** کسانی که باید، آن را بفهمند، متوجه آن شوند؛

- **و ثانیاً:** کسانی که نباید آن را نفهمند آن را درک نکنند، در منطق الطیر عطار، این هر دو شرط موجود است، و لذا مولوی آن را منطق الطیر سلیمانی خوانده است، در صورتی که منطق الطیر خاقانی را به صدا تشبیه نموده، گوید:

منطق طیر آن خاقانی صداست  
منطق الطیر سلیمانی کجاست؟

زیرا که به عقیده مولوی، در منطق الطیر خاقانی شرط اول وجود نداشته، چون توده مردم نمی‌توانند از آن چیزی درک کنند.

### کارهای انجام شده بر منطق الطیر

کارهایی که روی منطق الطیر عطار انجام شده است: چلبی (د: ۱۰۶۷ ق) در کشف الظنون گوید: میرسید علی همدانی (د: ۷۸۶ ق) گزیده‌ای از منطق الطیر عطار برداشته است.<sup>۲</sup>

#### الف) ترجمه‌های شرقی منطق الطیر عطار

این مثنوی عطار را نخست شاعری ترک به نام گلشهری در (د: ۷۱۷ ق / ۱۳۱۷ م) به شعر ترکی ترجمه کرده که در آنکارا به سال ۱۹۵۷ چاپ شده است.

میرعلیشیر نوایی (د: ۹۰۶ ق / ۱۵۰۰ م) بار دیگر به ترکی سروده و لسان الطیر نامیده است.<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> نک: ذریعه، ج ۱۵؛ ۱۸۱؛ ج ۹، ۱۱۷۵؛ ج ۱۹، ۳۳۸؛ ج ۲۵، ۲۰۱ و

<sup>۲</sup> الذریعه، ج ۲۲، ۴۳۹.

<sup>۳</sup> الذریعه، ج ۱۸، ۳۹۶؛ ج ۱۹، ۲۷۵.

دکتر ویکتور الکک لبنانی، فارغ التحصیل دانشگاه تهران نیز این منظومه را به عربی سروده و بخشی از آن را نیز چاپ کرده است.

ترجمه کردی شیخ صنعان با مقدمه قادر فتاحی قاضی در ۱۳۴ برگه به سال ۱۳۴۶ خ / ۱۹۶۷ م از طرف مؤسسه تاریخ فرهنگ و هنر ایران، دانشگاه تبریز منتشر شده است.

### ب) کارهای خاورشناسان

آقای دکتر ماهیار نوایی در کتاب خود *A bibliography of Iran vol. 11. P. 185 - 187* نام سی و هفت اثر به زبان‌های اروپایی را درباره عطار گردآورده است و من‌ته شماره از آن‌ها را درباره منطق الطیر عطار است، در این جا می‌آورم:

1. *Abraham Valentine Williams Jackson, L.H.D., Ph.D., LL.D. (February 9, 1862 – August 8, 1937): The Allegory of The Mout and The Flame, Translated from Mantiq attair of farid – ad – Din Attar. Journal of Amerocan oriental soc. Vol 36, 1917, PP. 345 – 47.*

2. *Krehl Ludolf: Compte – rendu de La Poesie Pilosophi – que et Religieuse. Chez Les Persans d'apres Le Mantic Uttatir. Ou le Langage des oiseaux de Farid – ud – Din Attar. Par M. Garcin de Tassy. 1857. Gottingen, 1858.*

3. *Masani, R. P.: The conference of The birds a Sufi all – egory, being an abridged version of Farid ud – Din Attar's Mantiq - ut – tair, London, 1924.*

4. *NATT, CS.: The conference of The birds (Mantiqu't – tair) A Philosophical religious poem in prose Trans Reissue, London, 1961, 155 P.*

5. *S., B. de: Letter Sur Le Mantic - uttair. (Langage des oiseux) poe'me Persan de Philosophie religieuse Par Ferid ud – din Attar. Paris, 1856.*

6. *SHAIKH, Gulam Mhammad Abid: Translation of Mantid – ut – tair 1- 1110. With explanatoey notes allusions, life of The Poet ahd an outline of The book. Ahmedabad. 1911.*

7. *TAESCHNER: F. : Des altrum turkischen Dichters Gulsehri Werk Mantik ut – tayr und Seine Vorlage, das gleichnsmige werk des Persischin Dichters Fariduddin Attar. Nemeth Armagani, 1962. PP. 359 – 371.*

8. *TASSY. M. Garcin de: Farid – udddin Attar. Mantic Uttair ou le langage des oiseaux, Poeme de Philosophie religieuse Public' en person. 1857.*

9. *WRICHT. William Aldis (ed): A bird – eye View of Farid Uddin Attar's Bird Parliament. Letters and Litterrary remains of Edward Fitz Gerald London, and Neeyord, 1889, PP. 431 – 82.*

## داستان مرغان پیش از عطار

تمثیل و تشبیه یکی از پایه‌های ادبیات ایران در عهد ساسانی بوده است.

بیان مطلب و توضیح نظریه‌های ادبی، اخلاقی، مذهبی، و سیاسی و پخش آن‌ها در میان مردم از زبان حیوانات پرنده و چرنده، به طور گسترده‌ای به کار رفته است.

برخی از پیشوایان مذهبی چون مانی و مزدک، گذشته از بیان تمثیلی و انشای تشبیهی به نثر و نظم، که از راه گوش به مردم می‌رسانیدند، استفاده از راه چشم را نیز فراموش نکرده با بکاربردن نقاشی چینی از راه تصویر نیز خواست‌های خود را به مردم می‌رسانیدند. می‌توان از زنگ مانی را نمونه پیشرفت هنر نقاشی و کیله و دمنه را نمونه تشبیه سازی بیانی آن دوران به شمار آورد.

یورش عرب و رواج مذهب سنی ضربتی بزرگ بر هنر نقاشی فرود آورد به طوری که از سراسر شش قرن حکومت عرب حتی یک برگ نقاشی نیز در ایران باقی نمانده است؛ لیکن هنر تشبیه سازی در بیان نه تنها متوقف نگشت؛ بلکه به سبب محروم بودن دانشمندان خردگرا و گنوسیست ایرانی از آزادی بیان، ایشان بیشتر خواسته‌ها و عقاید خویش را چنان که گذشت از ترس محتسبان و فقیهان دربار خلیفه از زبان حیوانات و مخصوصاً مرغان که بیش از دیگر حیوانات عاطفه رقیق انسانی را جلب می‌کنند، بیان می‌نمودند. از این رو، این بخش را با محتوای فلسفی آن می‌توان جزو ادبیات عامیانه نیز دسته‌بندی نمود. این دانشمندان با استفاده از اساطیر رایج در سده‌های ۳ تا ۷ میلادی «زبان مرغان» را اصطلاحی برای بیان سنبلیک خواسته‌های فلسفی خردگرایانه که ایده‌ئولوژی عمومی مردم ایران و مورد پیگرد حکومت خلفای سنی در بغداد می‌بود، قرار داده بودند.

گفتگو از پرواز روان انسان در سخنان پارمنیدس یونانی (۵۴۰ - ۴۵۰ پ.م) در معراج‌نامه وی آمده که سوار بر اسبان و به راهنمایی دختران خورشید از خانه شب به جهان روشنایی رفت.<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> نخستین فیلسوفان یونان، شرف خراسانی، چ. تهران، ۱۳۵۰ خ / ۱۹۷۱ م، برگه ۲۷۶ - ۲۸۴.



افلاطون نیز در گفتگوی «فایدروس» روان آدمی را به اربهران و اسب بال‌دار مانند کرده است؛<sup>۱</sup> لیکن با این همه تشبیه روان آدمی به مرغ و تن آدمی به قفس گویا از ویژگی‌های ادبیات هندوایرانی ساسانی باشد که پس از آمدن عرب‌ها بدان زبان ترجمه شده، سپس به وسیله ایرانیان مسلمان تکمیل شده و گسترش یافته است و اینک چند نمونه از آن را در زیر می‌آورم:

### باب البوم و الغراب کلیله و دمنه

۱- **باب البوم و الغراب کلیله و دمنه:** ابن مقفع شهید (ک: ۱۴۸ ق / ۷۵۹) از پهلوی به عربی گردانید، در باره کنفرانس مرغان و انتخاب یک پادشاه برای خودشان می‌باشد، در صورتی که کنفرانس مرغان در نزد عطار برای انتخاب یک راهنما (هدهد) است برای رفتن به سوی پادشاه مرغان (سیمرغ).

### ابن ندیم

۲- **ابن ندیم، ابوالفرج محمد فرزند ابویعقوب اسحاق فرزند محمد فرزند اسحاق (د: ۳۸۰ ق):** در فن یکم از مقالات سوم فهرست خود در احوال ابومنذر هشام کلبی (د: ۲۰۵ ق / ۸۲۰ م) کتابی به نام منطق الطیر بدو نسبت داده است. به ابن سکیت نحوی نیز کتاب الطیر نسبت داده شده است.<sup>۲</sup>

### اخوان الصفا

۳- **اخوان الصفا:** اخوان الصفا در رساله شماره ۲۲ از رسایل خود، عنقاء مغرب را پادشاه مرغان و جای او را در کوه‌های بلند جزیره بحر أخضر دانسته‌اند.<sup>۳</sup>

و در رساله شماره ۳۱ داستان به دام افتادن عقعق را که بر اثر طمع به دنبال کبوتران رفته بود، آورده‌اند، ولی در هیچ یک از آن دو جا، سیر تکاملی روان آدمی مورد بحث نیست.

<sup>۱</sup> مجموعه آثار افلاطون، لطفی، تهران، ۱۳۵۰ خ / ۱۹۷۱ م، ج ۲، ۱۹۰.

<sup>۲</sup> الذریعة، ج ۱۵، ۱۹۵.

<sup>۳</sup> رسائل اخوان الصفاء، ج. بیروت، ۱۹۵۷ م، ج ۲، برگه ۲۹۳.

<sup>۴</sup> همان چاپ، ج ۳، برگه ۱۶۹.

## ابن سینا

۴- ابن سینا (د: ۴۲۸ق / ۱۰۳۷م) رساله‌ای به نام الطیر یا الشبكة و الطیر هنگامی که در دژ «فردجان» زندانی بود به سال ۴۱۲ق / ۱۰۲۱م به عربی نگاشته است که به وسیله مه‌رن در لیدن ۱۸۹۱م، سپس به وسیله لویس شیخو در بیروت ۱۹۰۸ و ۱۹۱۱ چاپ شده است.

این رساله ابن سینا سه شرح و یک نظم دارد<sup>۱</sup>.

۱- از علی بن شاهک؛

۲- از شریف بن ناصر هاشمی بغدادی؛

۳- از علی بن سلیمان بحرینی در سده هفتم و چهاردهم به نام مفتاح الخیر فی شرح رساله الطیر<sup>۲</sup>. رساله طیر ابن سینا چند ترجمه به فارسی نیز دارد:

ترجمه سهروردی کشته ۵۸۷ق / ۱۱۹۱م

۵- الف) ترجمه سهروردی کشته ۵۸۷ق / ۱۱۹۱م: این ترجمه همراه شرح بر ترجمه منسوب به عمر سهلان ساوجی و دو رساله دیگر در مجموعه‌ای با مقدمه‌ای به انگلیسی از : *Otto Sples and S. K. Khalak* در اشتونگارت آلمان ۱۹۳۵م، برگه ۳۹- ۴۶ چاپ شده، سپس در مجموعه دانشنامه، ش ۲ در تهران ۱۳۱۶ق / ۱۹۳۷م تجدید چاپ شد، سپس با تصحیح دکتر نصر و مسیو کربن به سال ۱۹۷۰ در تهران در مجموعه آثار فارسی سهرودی چاپ شده است.

دکتر نصر در برگه ۴۷ مقدمه این مجموعه این ترجمه را با ترجمه اخسیکتی که بعداً یاد خواهیم کرد، یکی شمرده است.

ترجمه اخسیکتی احمد بن قاسم بن احمد بن خدیو (سده ۵۶ه / ۱۲م)

۶- ب) ترجمه اخسیکتی احمد بن قاسم بن احمد بن خدیو (سده ۵۶ه / ۱۲م): نسخه آن که در ۸۹۸ق / ۱۴۹۲م رونویسی<sup>۳</sup> شده، در مجلس هست و در فهرست حائری ج ۵، ۴۱۲ معرفی شده و به وسیله محمدباقر سبزواری در (مجموعه ۱۴

<sup>۱</sup> فهرست مصنفات ابن سینا، مهدوی، برگه ۱۷۷- ۱۷۸؛ و ذریعه، ج ۱۵، ۱۹۵.

<sup>۲</sup> ذریعه، ج ۷، ۱۳۰؛ ج ۱۳، ۲۴؛ ج ۱۵، ۱۹۵؛ ج ۲۱، ۳۲۹؛ ج ۲۴، ۲۲۲.

<sup>۳</sup> متن کتاب: نوشته.

رساله، انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۵۰ خ / ۱۹۶۱ م، برگه ۱۵۲ - ۱۶۲) بی‌معرفی نسخه‌ای که از آن برداشت شده، چاپ شده است. این ترجمه غیر از ترجمه سهروردی چ. اشتوتگارت است که در بالا یاد شده، می‌باشد. ترجمه اخسیکتی غیر از دوگانگی ترجمه در چند جا بر ترجمه سهروردی افزایش‌هایی نیز دارد.

### ترجمه ملا وجیه‌الدین

۷ - ترجمه ملا وجیه‌الدین: به گفته دکتر مهدوی نسخه‌اش به شماره ۳۶۸۸ در کتابخانه اسعد افندی در استانبول هست.

### ج) شرح بر ترجمه فارسی

۸- شرح بر ترجمه فارسی: دو شرح بر ترجمه‌های فارسی رساله طیر ابن‌سینا نیز چاپ شده است. یکم) شرح منسوب به عمر سهلان ساوجی که در مجموعه یاد شده اشتوتگارت، برگه ۴۷ - ۸۹ چاپ شده است. دوم) شرحی بی‌نام که محمدباقر سبزواری یاد شده در همان مجموعه ۱۴ رساله، برگه ۱۷۵ - ۲۱۱ چاپ کرده است. این دو شرح اختلاف بسیار دارند. غیر از دوگانگی ترجمه، در تقسیم عبارت‌های متن در میان عبارت‌های شرح، با یکدیگر ناجورند.

### زمینه داستان‌های ابن‌سینا

۹- زمینه داستان‌های ابن‌سینا: روان آدمی در این داستان به مرغانی تشبیه شده که در آغاز آزاد بوده، پس از افتادن به دام شکارچیان، آزادی نخستین خویش را فراموش کرده‌اند، پس با دیدن مرغانی آزاد، دوباره به یاد آزادی می‌افتند و با کمک آنان آزاد می‌شوند و به شهر پادشاه مرغان که در پشت کوه (افلاک هشت‌گانه) است، می‌روند، پس در داستان ابن‌سینا، اضافه بر سیر صعودی به سوی خدا، که در معراج‌نامه‌های خلسه‌های یونانی و اسلامی نیز دیده می‌شود، از سیر نزولی نخستین و اسیرشدن مرغان در قفس و نیز از مراحل گذر در بیابان‌ها در سیر صعودی با تفصیل یاد شده است که در آن معراج‌نامه‌ها و خلسه‌ها دیده نمی‌شود؛ لیکن دوگانگی و جدایی خدا و جهان (ملک و مرغان) در داستان ابن‌سینا بیش از داستان عطار، چشم‌گیر است.

این سنجش نشان می‌دهد که با همه فشار سنگین خلفای سنی بازم نفوذ پان‌ته‌ئیسیم هندی در ایران در دو سده میان ابن‌سینا و عطار رو به افزایش بوده و عطار را اشراقی‌تر و پان‌ته‌ئیسیم‌تر از ابن‌سینا کرده است. نتیجه داستان ابن‌سینا «اتصال» است.

مرغان اسیر می‌شوند، در حال اسیری برای رسیدن به شاه کوشش می‌کنند و پس از رسیدن بدو، شاه ایشان را به جای دیگر حواله می‌دهد، در صورتی که عطار یک گام پیش رفته، اتحاد را نتیجه می‌گیرد: مرغان آزاد برای رسیدن به شاه مرغان، یک راهبر (هدهد) را انتخاب می‌کنند و تازه پس از رسیدن بدان شهر در می‌یابند که شاه مرغان، جز خود ایشان کسی نیست. شماره منزل‌ها که همان مدارج تعلیمات اشراقی است، نزد ابن‌سینا هشت کوه و نزد عطار هفت وادی و در «عقل سرخ» یازده کوه است که شماره خدایان زیردست زئوس یونانی (یا هفت فلک + چهار عنصر) را به یاد می‌آورد.

### لسان الطیر

۱۰- **لسان الطیر:** یک رساله فارسی نیز بدین نام، پدرم در ذریعه، ج ۱۸، ۳۰۶ به ابن‌سینا نسبت داده که نسخه‌اش را در کتابخانه تقوی دیده است؛ لیکن آغاز رساله را که آورده همان آغاز «عقل سرخ» است که در بخش سهروردی یاد خواهیم کرد. همین رساله در فهرست رضوی، ج ۴، ۱۳۲ نیز با عنوان رساله الطیر از مؤلفی ناشناس معرفی شده است و محمدباقر سبزواری نیز ناشناخته آن را یازدهمین رساله مجموعه ۱۴ رساله خود نهاده در برگه ۲۱۲ - ۲۱۹ چاپ کرده است.

### حی بن یقظان، سلامان و ابسال

۱۱- **حی بن یقظان، سلامان و ابسال:** دو داستان سنبلیک از ابن‌سینا هستند در باره مدارج ترقی روان آدمی؛ لیکن، چون تکامل روان در آن‌ها به سفر تشبیه شده و از مرغ و قفس گفتگویی ندارد، از موضوع بحث ما بیرون هستند.

### برادران غزالی

۱۲- **برادران غزالی:** محمد (د: ۵۰۵ ق / ۱۱۱۱ م) و احمد (د: ۵۲۰ ق / ۱۱۲۶ م) هر کدام یک رساله در داستان مرغان دارند. نخستین ایشان داستان را به زبان عربی و دومین به زبان فارسی نگاشته و شاید یکی ترجمه دیگری باشد. متن پیرامون ۲۰۰ کلمه است که ۲۴ بیت شعر در آن است، متن عربی ۱۱۰ کلمه دارد که ۱۲ بیت آن شعر است. متن فارسی گنوسیست‌تر، ضد قشری‌تر، و شیواتر از عربی آن است.

نسخه عربی در مصر ۱۳۱۹ و ۱۳۲۸ و ۱۳۴۳ و ۱۳۵۳ ششمین از هفت رساله مجموعه الجواهر الغوالي و در بیروت همراه «طیر» ابن سینا در ۱۹۱۱ چاپ شده است، نسخه فارسی نیز به وسیله نصرالله پورجوادی همراه نسخه عربی با یک مقدمه فارسی و یکی انگلیسی در ۵۰ برگه در تهران ۱۳۹۶ ق / ۱۹۷۶ م چاپ شده است.

در این داستان، مانند معراج‌نامه‌های یونانی و اسلامی، سخن تنها از مسیر قوس صعود آغاز شده و هیچ گونه کاری با سیر نزولی پیش از آن و گرفتارشدن روان در قفس تن که ابن سینا در داستان خود افزوده است، دیده نمی‌شود، پس کار غزالی از این رو، مانند کار عطار است، با این تفاوت که مرغان غزالی، پس از رسیدن به کعبه مقصود با پادشاه مرغان، هم‌چون خدای کتب مقدس سامی روبه‌رو می‌شوند، خدا مانند یک پادشاه دنیایی که البته صفات جمال و جلال کلام اسلامی به او آب و رنگ متفاوتی از ایرانی داده است، جلوه می‌کند، اگر چه مرغان غزالی خدا را نمی‌بینند؛ لیکن مانع از دیدن او همانا دیوار قلعه؛ یا دوری و مانند این‌ها است، نه عدم قابلیت رؤیت.

در داستان غزالی دوگانگی خالق و مخلوق به درستی روشن است. در صورتی که در منطق الطیر عطار هنگامی که چاوش در درگاه عزت می‌آید و پرده‌های جلو آینه را یکی پس از دیگری بالا می‌زند، جلو چشم سی تا مرغ از راه رسیده «سیمرغ = سی مرغ» در آینه دیده می‌شود:

هم زعکس روی سی مرغ جهان  
چهره «سیمرغ» دیدند آن زمان  
و به عبارت دیگر: چهره خویش را در آینه دیدند و دوئیت از میان رفت.  
در تحیر جمله سرگردان شدند  
می‌ندانستند: این؛ یا آن شدند

### موضوع گفتار دوم منطق الطیر عطار

کنفرانس مرغان درباره نیازمندی به پادشاه، نخست در باب بوم و غراب کلیله و دمنه و پس از آن در رسائل اخوان الصفا و سپس در رساله الطیر غزالی آمده است. پادشاه مرغان در کلیله «بوم» است که مرغان او را بر می‌گزینند، ولی غراب این انتخاب را باطل می‌سازد. ولی در رساله غزالی پادشاه مرغان «عنقا» می‌باشد و در جزیره‌ای در مغرب زندگی می‌کند، عطار آن را سیمرغ نامیده، گوید: مرغان گمان می‌کردند که در پشت کوه قاف است، ولی چون بدان جا شدند، دانستند که او جز مجموع ایشان چیزی نبوده است.

موضوع عذرتراشی مرغان از رفتن بدان سفر که در گفتارهای ۳ تا ۳۷ عطار دیده می‌شود، در غزالی به عکس دیده می‌شود: مرغان غزالی به سفر مایل هستند و از طرف عنقا به ایشان اخطار می‌شود که نیابید، خطرناک است! اما ایشان قانع نشده به سفر ادامه می‌دهند، پس سفر و کوشش برای کشف حقیقت در نظر غزالی نوعی گناه و تمرد است و نزد عطار کار مفیدی است که نیاز بگذشت و فداکاری دارد و از تنبلان ساخته نیست.

موضوع گفتارهای ۳۸ تا ۴۴ هفت وادی عطار در رساله غزالی نیز هفت تا به شمار آمده است که میان این دو شباهت وجود دارد و چه‌بسا هر دوی ایشان عدد هفت را از هفت خان‌های رستم و اسفندیار در شاهنامه گرفته باشند. خلاصه آن که، خدای عطار رنگ آریایی بیشتر دارد. او روح جهان و عین جهان است، اما خدای غزالی، گرچه صفات جمال و جلال معتزله بدورنگ آریایی می‌دهد، باز هم سامی است و غیر از جهان می‌باشد، او وحدت عددی است و قابل رؤیت است و روز قیامت دیده خواهد شد.

### عین القضاة همدانی کشته ۵۲۵ق / ۱۱۳۱م

۱۳ - عین القضاة همدانی کشته ۵۲۵ق / ۱۱۳۱م: عین القضاة نیز در نامه‌هایش روان آدمی را به مرغ اسیر شده در قفس تن مانند کرده که می‌کوشد از آن آزاد شود و به جهان متافیزیک بازگردد<sup>۱</sup>.

### شهاب‌الدین سهروردی (ک: ۵۸۷ق)

۱۴ - شهاب‌الدین سهروردی کشته ۵۸۷ق / ۱۱۹۱م است. او غیر از ترجمه فارسی از رساله الطیر ابن سینا که در برگه ۳۴ یاد شده است، چند رساله سمبلیک دارد که در برخی از آن‌ها گفتگو از گرفتاری مرغ روان در قفس تن دیده می‌شود، مانند:

### الف) لغت موران

این رساله که نسخه‌هایش را برادرم احمد منزوی در فهرست نسخه‌های خطی فارسی، برگه ۱۳۴۴ معرفی کرده است و دارای دوازده داستان سمبلیک می‌باشد که فهرست آن‌ها چنین است:

<sup>۱</sup> نامه‌های عین القضاة، تصحیح علی‌نقی منزوی و عقیف عسیران، بیروت ۱۹۶۸، ج ۱، ۲۰۰.

یکم) گفتگوی موران دربارهٔ متافیزیک بودن روان آدمی؛

دوم) گفتگوی لاک‌پشتان دربارهٔ این که پیامبری خاصیت روان آدمی است؛ یا تن او؟

سوم) گفتگوی مرغان در برتری نظریهٔ اتحاد که دیدگاه تنزیهی هندی است، بر نظریهٔ حلول که دیدگاه تشبیهی آرامی است؛

چهارم) علم به معلول ناآمده (علم غیب) از راه علم به علت (جلم گیتی‌نما) تواند بود؛

پنجم) گفتگوی آدمی و پری؛

ششم) خفاشان و حرباء؛

هفتم) هدهد و پریان؛

هشتم) روان متافیزیک می‌باشد و در فیزیک اسیر شده است، مانند الشبكة و الطیر ابن سینا؛

نهم) نور ماه از خورشید است، اتحاد علت و معلول؛

دهم) از خانه به کدخدا ماند همه چیز، پس همه چیز خوب است؛

یازدهم) حجاب‌ها مانع هستند؛

دوازدهم) کوچک در بزرگ محو است. بحث‌های هر یک از این دوازده گفتگو، مانند محاورهٔ «روحانی - حنیف» است که شهرستانی در آغاز جلد دوم ملل و النحل، آورده است؛ لیکن در آن جا شهرستانی از حنفای سنی طرفداری کرده و سهروردی در این جا از روحانیان گنوسیست دفاع کرده است.

این رساله در مجموعهٔ اشتوتگارت که در برگهٔ ۳۴ یاد شده، برگهٔ ۲ - ۱۲، چاپ شده است، سپس در مجموعهٔ آثار سهروردی، چ. دکتر حسین نصر، تهران، ۱۳۴۸ خ / ۱۹۶۹ م، برگهٔ ۲۹۳ - ۳۱۲ باز چاپ شده است.

### ب) صغیر سیمرغ

این رساله یک پیش‌گفتار دارد در معرفی سیمرغ، سپس دو بخش مبادی و مقاصد است که هر یک سه فصل دارد و در پایان یک خاتمه است. این رساله نیز در مجموعهٔ یاد شدهٔ اشتوتگارت، برگهٔ ۱۳ - ۳۸ چاپ شده است.

سهروردی در آغاز این رساله گوید: و این رساله موسوم است به صغیر سیمرغ که زبان ندارد. در مقدمه یاد کنیم از احوال این مرغ بزرگوار ...

... هر آن کسی که در فصل ربیع قصد کوه قاف کند ...

... در این مدت سیمرغی شود که صغیر او خفتگان را بیدار کند ...

... و نشیمن او کوه قاف است. صغیر او به همه کس برسد؛ لیکن مستمع کمتر دارد همه با اویند و بیشتر بی‌اویند، چنان که قائل گوید:

با مایی و ما را نه ای      جایی از و پیدا نه ای

بیمارانی که در ورطهٔ علت استسقا و دق گرفتارند، سایهٔ او علاج ایشان است و برص را سود دارد. رنج‌های مختلف را زایل گرداند.

این سیمرغ پرواز بی‌جنبش کند و بپرد بی‌مسافت و نزدیک شود بی‌قطع.

اما بدان که همه نقش‌ها در اوست و او لون ندارد.

در مشرق آشیان او و در مغرب از او خالی نیست.

همه بدو مشغول‌اند و از همه فارغ. همه از او پُرند و او از همه تهی.

همهٔ علوم از صغیر آن مرغ [بدست آید]. سازهای عجیب، مثل ارغنون و غیر آن از صدای آن مرغ استخراج کرده‌اند، چنان که قائل گوید:

بیت

چو ندیدی همی سلیمان را      تو چه دانی زبان مرغان را

غذای او آتش است و هر که پری از آن بر پهلوی راست بندد و بر آتش بگذرد، از حریق ایمن باشد.

نسیم صبا از نفس اوست. از مهر آن عاشقان راز دل و اسرار ضمیر با او گویند و این کلمات که در این جا تحریر شد، نفثه‌ای

است از مصدور و چیزی مختصر است از آن و ندای او. (آغاز صغیر سیمرغ، چ. اشتوتگارت، ۱۹۳۵م، برگهٔ ۱۳ - ۱۶ و در

مجموعهٔ آثار سهروردی، چ. دکتر حسین نصر، تهران، ۱۳۴۸خ / ۱۹۶۹م)



این اوصاف متافیزیک که سهروردی برای سیمرغ آورده با اوصافی همانند است که بیرونی به نقل از کنز الاحیاء، مانی دربارهٔ جهان متافیزیک لاهوت آورده است که اجساد زنده در آن جا، درازا و پهنا ندارند<sup>۱</sup>.

### ج) آواز پَر جبریل

در آغاز این رساله، بوعلی فارمدی از کبودپوشان نقل کند که بعضی اصوات را او از پَر جبریل می‌خوانند و بیشتر چیزها از آواز پَر جبریل است، سپس داستان کسی را آورد که به خانقاه پدر می‌رود و با ده تن پیر روبرو می‌شود، سپس دربارهٔ رکوه‌ای که یازده تو در تو و نُه طبقه دارد، گفتگو می‌شود. این پیر خود را از مجردان اهل ناکجاآباد معرفی می‌کند. این رساله یک بار به وسیلهٔ مسیو هانری کربن و پُل کراوس در سال ۱۹۳۵م چاپ شده و پس از آن با تصحیح دکتر حسین نصر در همان مجموعهٔ آثار سهروردی، برگهٔ ۲۰۷-۲۲۳ تجدید چاپ شده است.

نسخه‌های خطی آن در فهرست نسخه‌های خطی فارسی، احمد منزوی، برگهٔ ۱۰۱۵ معرفی شده است.

### د) عقل سرخ

داستانی سمبلیک در ۲۳۰ سطر است.

وی در آن می‌گوید: من بازی آزاد بودم. دام قضا مرا اسیر کرد. چشمانم را بستند و چهار بند بر من نهادند، ولی کم‌کم چشم‌هایم باز شد و به بیابان فرار کردم، پس پیری سرخ‌مو دیدم که از زندانش در یازده کوه قاف گریخته بود. او عجایب هفت‌گانهٔ جهان را برایم گزارش کرد.

این رساله، ششمین رساله در مجموعهٔ آثار فارسی شیخ اشراق، تصحیح دکتر حسین نصر، چ. تهران، ۱۹۶۹م، برگهٔ ۲۲۶ - ۲۳۹ چاپ شده است.

### ه) رساله فی حالة الطفولية

سهروردی در این رساله نیز رقص و سماع صوفیانه را به جنبش‌های مرغ‌گرفتار در قفس برای رهایی، مانند کرده است<sup>۲</sup>.

<sup>۱</sup> ماللهند من مقولة، چ. هند، ۱۹۵۸م، برگهٔ ۲۹.

<sup>۲</sup> مجموعهٔ آثار فارسی شیخ اشراق، تصحیح دکتر حسین نصر، چ. تهران، ۱۳۴۸خ / ۱۹۶۹م، برگهٔ ۲۶۴.

## روزبهان بقلی

۱۵- روزبهان بقلی (۵۲۲- ۶۰۶ق) در عبهر العاشقین، چ. تهران، ۱۳۴۹ خ / ۱۹۷۰ م، برگه ۵۵ و نیز در رسالة القدس، چ. دکتر جواد نوربخش، ۱۳۵۱ خ / ۱۹۷۱ م، برگه ۲۹، روان را مرغ گرفتار در قفس تن و سلوک عرفانی را به کوشش او برای رهایی از قفس، مانند کرده است.

## الاهی سیمایی

۱۶- الاهی سیمایی (د: ۸۹۶ق / ۱۴۹۰م) در منازل القلوب که شرح همین رسالة القدس نوشته روزبهان است، چ. دانش پژوه در مجموعه روزبهان نامه، تهران، ۱۹۶۸ م، برگه ۴۰۴.  
گوید: و این منازل نزول سیمرغ روح قدس است از مقام اقدم ... عالم لاهوت تا به کوه قاف عالم ناسوت ... عروج عنقای دل است از خاتم الموجودات از برای تتمیم دایره تا به ماهیه الماهیات ...

## مجد بغدادی

۱۷- مجد بغدادی کشته ۶۰۷ق / ۱۲۰۹م شاگرد نجم کبراء (کوبره) است<sup>۱</sup>. او رسالة السیر و الطیر دارد که نسخه اش در مجموعه کوپرولو، شماره ۱۵۸۹، برگ ۴۱۸ با تاریخ ۷۵۴ق هست. فیلم آن در دانشگاه تهران<sup>۲</sup> و یاد آن در فهرست نسخه های خطی فارسی، برگه ۱۲۱۳ آمده است.

## نجم الدین رازی

۱۸- نجم الدین رازی (د: ۶۵۵ق / ۱۲۵۶م). او رسالة الطیور دارد که نسخه آن در مجموعه ای به شماره ۱۵۸۹/۸ در کتابخانه کوپرولو ترکیه از برگ ۲۳۲ تا ۲۳۴ پ موجود است. یک فتوکپی آن به لطف دکتر ریاحی به اینجانب رسیده است.

<sup>۱</sup> الذریعة، ج ۹، ۹۶۰.

<sup>۲</sup> فهرست فیلم ها، ج ۱، ۴۸۱.

این رساله از زبان ستمدیدگان ری خطاب به وزیر جمال‌الدین شرف سلغور بلفتح است که ساکن ری بوده و از آن دور شده بوده است. در آن نامه درخواست بازگشت وی به ری شده است.<sup>۱</sup>

جریان سمبلیک رساله چنین است: مرغان طوطی را با شکایت‌نامه به نزد سلیمان می‌فرستند که عنقا پادشاه مرغان، ما را رها کرده و ما بینوا شده‌ایم.

او در راه از دو زن و دو مرد / عناصر چهارگانه و هفت فلک با هفت ستاره و هفت رنگ می‌گذرد تا به جهان بی‌رنگی / متافیزیک می‌رسد که در آن جا نقش و نقاش یکی است (پانته‌ئیزم هندی)، پس سلیمان که تاج لا اله الا الله / توحید عددی سامی بر سر دارد، به عنقا نامه‌ای می‌نویسد و دستور بازگشت و سرپرستی مرغان را می‌دهد، پس با کمک باز سفید و کلاغ سیاه به کوه قاف رفته عنقا را می‌یابد و با او باز می‌گردد.

یک لغت‌نامه عرفانی نیز در پایان رساله دیده می‌شود.

### علی بن سلیمان بحرینی

۱۹- ابوالحسن جمال‌الدین (کمال‌الدین) علی بن سلیمان بحرینی: او استاد ابن میثم بحرینی (د: ۶۹۹ق) شارح نهج البلاغه و شاگرد خواجه نصیرالدین طوسی (۵۹۷- ۶۷۲ق) است. وی رساله الطیر ابن سینا (۳۷۰- ۴۲۸ق) را شرح کرده و آن را مفتاح الخیر نامیده است.

نسخه‌های آن که در ذریعه معرفی شده‌اند، همگی شامل تنها شرح دیباچه هستند.<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> مقدمه ریاحی بر مرصاد العباد، برگه ۳.

<sup>۲</sup> الذریعه، ج ۱۳، شماره ۹۷۳ و ۱۰۴۵؛ ج ۲۱، شماره ۵۳۱۹؛ هم‌چنین نک: الأنوار الساطعة، برگه ۱۰۵-۱۰۶.

## ویژگی‌های سیمرغ

## ریشه واژه

۱- ریشه این واژه: یکی از ابتکارهای عطار در این داستان، استفاده‌ای است که از جناس لفظی میان دو واژه «سی مرغ» و «سیمرغ» کرده است:

- نخستین آن‌ها شماره مرغانی است که از آن سفر پُرخطر جان به سلامت برده و به سر منزل مقصود رسیده‌اند؛

- و دومین آن‌ها، نام پادشاه افسانه‌ای مرغان می‌باشد.

در اوستا از مرغی به نام مرغوسنا *Meregeusaena* یاد شده است که فراخ بال است، چنان که در پرواز پهنای کوه را فرامی‌گرفت و لانه او بر درختی در دریای وروکاشا *Vorvkasha* قرار داشته است.

این درخت تخمه همه گیاهان را در برمی‌داشته و ضد گزند؛ یا درمان بخش نیز بوده است.

این درخت در رساله عقل سرخ سهروردی (ک: ۵۸۷ق)، نک: برگه ۴۲، طوبی نام گرفته است؛ زیرا که این رساله ترکیبی از داستان‌های یهودی و هندی می‌باشد.

و نیز در اوستا از حکیمی پاک‌دین و پزشک به نام سائنا یاد شده است که صد سال پس از زردشت زاییده شده و صد سال عمر کرده است. در دینکرت، این حکیم پسر اهوم ستوت خوانده شده است.

سیمرغ در پهلوی به صورت سین‌مورو *Sen Muru* و سنه‌مروک *Sene muruk* هر دو دیده می‌شود.

در مینوک‌خرت آمده است که آشیانه سین‌مورو بر درخت «هرویسپ تخمه» می‌باشد و هر گاه سین‌مورو از آن برمی‌خیزد، هزار شاخه بر آن درخت می‌روید، چون بر آن بنشیند، هزار شاخه از آن بشکند و تخم‌هایش پراکنده گردد. از آن چه که گذشت، نتیجه می‌گیریم که دور نیست *Saena* در اوستا؛ و *Sen*، *Sene*، در پهلوی؛ و *Syena* در سانسکریت؛ و *Sain* در آذری که در ترکیب «صائن قلعه» باقی مانده است و نیز *Sin* در ارمنی همه از یک ریشه، به معنی فوق‌العاده بوده و فردوسی با لهجه دری خود آن را به صورت «سی» در آورده باشد.

نامیدن یک انسان فوق العاده و یک مرغ فوق العاده بدین کلمه نشان‌دهنده آن است که از نظر دستور زبان، معنی صفتی این کلمه در اوستا و دینکرت و حتی شاهنامه آشکارتر از معنی اسمی آن بوده است و شاید مقصود از این کلمه بیان صفت روحانیت و متافیزیکی آن مرغ و آن حکیم بوده است.

شاید نیز به همین سبب است که ملاصدرای شیرازی (د: ۱۰۵۰ق / ۱۶۴۰م)<sup>۱</sup> و نراقی و دیگران چنان که خواهیم دید، سیمرغ را به «طایر قدسی»<sup>۲</sup> ترجمه کرده‌اند، سین در اصطلاح هفت‌سین نوروز و سین‌دخت، در شاهنامه نیز می‌تواند به همین معنی مقدس بوده باشد.

به هر حال از نظر فلسفی سیمرغ در شاهنامه رمز یک موجود متافیزیک است و شک نیست که نظر فردوسی منعکس‌کننده منابع باستانی است که در دست می‌داشته است و شاید این مقفع هم بدان سبب «بوم» را به جای «سیمرغ» برای پادشاهی مرغان در کلیله و دمنه برگزید که مقام متافیزیکی سیمرغ، با پادشاهی طبیعی و دنیوی که با توطئه غراب نابودشدنی باشد، قابل تطبیق نبوده است.

رابطه «سیمرغ» و «بوم» نزد ابن مقفع، مانند رابطه «امام» و «خلیفه» نزد شیعیان می‌نموده است.

## دو سیمرغ متضاد

۲- دو سیمرغ متضاد: چون همه موجودات ماورای طبیعت نزد ثنویان دو قلوبی متضاد هستند<sup>۳</sup>، سیمرغ نیز در شاهنامه‌های فردوسی و ثعالبی دو نوع دیده می‌شود:

- سیمرغ نیکوکار که یزدانی و مربی زال در کوه البرز و مددکار پهلوانان ایران بوده است؛

- و سیمرغ نوع تبه‌کار که اهریمنی و دشمن ایران است.

یکی از این نوع تبه‌کار در خان پنجم اسفندیار، به دست وی کشته می‌شود؛ بنابراین، احتمال دایر بر این که، سیمرغ اهریمنی در شاهنامه ریشه کهن ایران نداشته و تنها سیمرغ یزدانی پرورش‌دهنده زال، داستانی اصیل ایرانی است.

<sup>۱</sup> اسفار، ملاصدرا، ج ۴، ۱۳۵؛ و مبدء و معاد، برگه ۲۶۰، نقل از مصطلحات صدرالدین شیرازی، دکتر سجادی، در کلمه عنقا.

<sup>۲</sup> طائر و قدسی، نام منظومه‌ای است از نراقی کاشانی. نک: ذریعه، ج ۹، ۶۱۳؛ و ج ۱۵، ۱۳۳.

<sup>۳</sup> متافیزیک ثنوی و جهت‌های متضاد آن، در عنوان مرحله آموختن از «هفت وادی» نیز خواهد آمد.

دکتر جواد مشکور در پیش‌گفتار خود بر منطق الطیر، چ، تبریز مطرح نموده است. هم‌چنین احتمال عکس آن که به وسیلهٔ علی سلطانی در مقاله‌اش در مجلهٔ نگین شمارهٔ خرداد ۱۳۵۴ آمده است که تنها سیمرغ اهریمنی را اصیل می‌شمرد<sup>۱</sup>، هر دو احتمالی نادرست و ناشی از آن است که ما تحت تأثیر توحید عددی سنیان قرار گرفته دوآلیزم ایرانی را فراموش می‌کنیم.

### رخسارهٔ سیمرغ

**۳- صورت سیمرغ:** در شاهنامه، برزونامه و سام‌نامه سیمرغ نقش بزرگی دارد. هم از نظر جسمی و هم از نظر روانی، این مرغ یک حیوان فوق‌العاده است، با این تفاوت که در شاهنامه دوآلیزم ایرانی هنوز پابرجا است و جنبهٔ متافیزیکی سیمرغ روشن است، اما در برزونامه و به ویژه در سام‌نامه، تحت تأثیر توحید عددی سامی، سیمرغ به یک فرد مشخص از مرغان مادی تبدیل شده که تنها از نظر جسمی از دیگر مرغان بزرگتر می‌باشد.

#### در برزونامه، سیمرغ چنین توصیف شده است:

به بالا بُدی چار فرسنگ مرغ      بُدی نیم فرسنگ، هر چنگ مرغ  
به پهنا بُدی باز فرسنگ بیش      یکی مرغ دانا و با رای و کیش

در سام‌نامه که در سدهٔ (۸ق / ۱۴م) سروده شده، سیمرغ با همه عظمت چنان زبون شده که از سام کمک می‌خواهد. اما در گرشاسپ‌نامه که اسدی طوسی (د: ۴۶۵ق / ۱۰۷۲م) آن را برای تکمیل؛ یا تعدیل شاهنامه سروده است، از نقش سیمرغ در جهان ما خبری نیست و تنها گرشاسپ در سفر طولانی خویش که به اقیانوس هند کرد، سیمرغ را در جزیرهٔ سوماترا، در حالی که ازدهایی در چنگ و نهنگی به منقار داشت، دیده است<sup>۲</sup>.

<sup>۱</sup> سیمرغ در فضای فرهنگ ایران (آیا سیمرغ نیرویی اهریمنی است؟)، علی سلطانی، مجلهٔ نگین شمارهٔ ۱۲۱، خرداد ۱۳۵۴، بخش سوم، برگهٔ ۲۷ - ۳۴.

<sup>۲</sup> سیمرغ در چند حماسهٔ ملی، دکتر احمد طباطبایی، نشریهٔ ادبیات، تبریز، ۱۳۳۵، برگهٔ ۵۱؛ و دکتر معین، ایران لیک، ج ۱۸، شمارهٔ یک، برگهٔ ۱-۱۱؛ و فرهنگ معین؛ و پیش‌گفتار دکتر جواد مشکور بر منطق الطیر، عطار، تصحیح جواد مشکور، چ. تبریز، ۱۳۳۷خ؛ حواشی بر منطق الطیر، عطار، دکتر صادق گوهرین، بنگاه نشر کتاب.

**مسعودی (د: ۳۴۶ق / ۹۵۷م) می‌گوید:** مردم صورت عنقا را بر دیوار گرمابه‌ها می‌کشند و آن مرغی است که صورت آدمی و نک نسر با چهار بال در هر سوی تن و دو دست پنجول‌دار دارد.<sup>۱</sup> تصویر خیالی از سیمرغ به خامهٔ درویش نقاش که در فرهنگ معین چاپ شده است تا اندازه‌ای با این اوصاف که در گرشاسپ‌نامه آمده، نزدیک است.

### سیمرغ، عنقا، رخ و طایر قدسی

در داستان ۵۲۴ الف لیله و لیله که کهن‌ترین ترجمهٔ عربی «هزار افسان» است در برخی نسخه‌ها به جای سیمرغ واژهٔ «رخ» دیده می‌شود<sup>۲</sup> و برخی نسخه‌ها «طائر کبیر»، به معنی مرغ بزرگ آمده است.<sup>۳</sup> **طبری ابوالحسن علی بن سهل ربن در کتاب الدین و الدولة که برای متوکل (ک: ۲۴۷ق) تألیف کرده بود، می‌گوید:** یهود اموال مصریان را به امانت گرفته، فرار کردند و بر عنقای مغرب بردند.<sup>۴</sup> واژهٔ عنقای مغرب در یک شعر نیز آمده است که ثقفی (د: ۲۸۳ق / ۸۹۶م) به یکی از یاران علی (ع) نسبت داده است.<sup>۵</sup> ثعالبی (د: ۴۲۹ق / ۱۰۳۷م) در غرر اخبار ملوک الفرس<sup>۶</sup> که ترجمهٔ عربی خداینامک و شاهنامه‌های دوران ساسانی است، به جای «سیمرغ» واژهٔ «عنقاء» به کار برده است. عنقاء از ریشهٔ عنق به معنی دارندهٔ گردن دراز است.

<sup>۱</sup> مروج الذهب، مسعودی (د: ۳۴۶ق / ۹۵۷م)، چ. پاریس، ج ۳، ۲۹؛ ج ۴، ۱۹.

<sup>۲</sup> دکتر احمد طباطبایی. سیمرغ در چند حماسهٔ ملی. نشریهٔ دانشکدهٔ ادبیات تبریز. سال ۱۳۳۵ خ، ص ۵۱.

<sup>۳</sup> الف لیله و لیله، تصحیح انطون الصالحانی، چاپ چهارم، یسوعیه، بیروت، لیله ۵۲۴. البته این نسخه قابل اعتماد نیست؛ زیرا که مصحح در پیش‌گفتار اعتراف کرده که برخی از کلمات غیر عربی را به عربی برگردانیده است.

<sup>۴</sup> الدین و الدولة، طبری ابوالحسن علی بن سهل ربن (ز: ۲۳۶ق)، چ. بیروت، ۱۹۷۳، برگهٔ ۱۹۸.

<sup>۵</sup> الفارات، چ. محدث ارموی، برگهٔ ۵۳۰.

<sup>۶</sup> غرر اخبار ملوک الفرس، ثعالبی (د: ۴۲۹ق / ۱۰۳۷م)، چ. پاریس ۱۹۰۰م؛ دیگر: افست تهران، ۱۹۶۳م، برگهٔ ۶۹، ۳۰۴، ۳۰۴، ۳۱۶، ۳۱۸.

فیروزآبادی در قاموس گوید: نام مرغی مجهول نیز هست.

ابن اثیر (د: ۶۰۶ ق / ۱۲۰۹ م) در *النهاية گوید*: العنقاء المغرب، مرغی مجهول است و شاید کلمه مُغرب که بر وزن مُرشد، به صیغه اسم فاعل، ضبط شده است، به معنی ساکن در مغرب زمین باشد و چون غزالی جای عنقا را در مغرب تعیین کرده است.

در آثار سهروردی، حافظ شیرازی و فیلسوفان متأخر، چون دوانی (د: ۹۰۷ ق / ۱۵۰۱ م)، صدرای شیرازی (د: ۱۰۵۰ ق / ۱۶۴۰ م)<sup>۱</sup> و پیروان ایشان چون نراقی و سبزواری (د: ۱۲۸۱ ق / ۱۸۶۴ م) به جای سیمرغ به کلمه «طائر قدسی»<sup>۲</sup> برمی‌خوریم، و صدرا عنقا را با عقل دهم، عقل فعال تطبیق نموده است.

### پَر سیمرغ، پَر جبریل، و موی دیو

۵- پَر سیمرغ، پَر جبریل و موی دیو: پَر این مرغ افسانه‌ای نیز نزد ایرانیان اهمیت ویژه داشته است. بنا بر اساطیر اوستا، بال‌های او، هنگام پرواز، میان دو کوه را می‌پوشانیده است و کسی که استخوان؛ یا پَری از این مرغ با خود داشته باشد، هیچ مرد دلیری او را نمی‌تواند، براندازد و آن پَر همواره او را نزد کسان گرامی می‌دارد و از فرّه ایزدی برخوردار می‌سازد.<sup>۳</sup> در داستان زال در شاهنامه‌های فردوسی و ثعالبی، هنگام بازگشت زال به خانواده‌اش، سیمرغ، پَر خود را به او داده می‌گوید: هرگاه برای تو مشکلی پیش آید

بر آتش بر افکن یکی پَر من  
که بینی هم‌اندر زمان فر من

عطار در *گفتار دوم منطق الطیر می‌گوید*: شهرت چینیان به علم و حکمت در اثر افتادن پَری از سیمرغ در آن کشور است.

آن دو پاره گز که رستم را بر اسفندیار پیروز گردانید، دو پَر از سیمرغ بود.<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> اسفار، ملاصدرا، ج ۴، ۱۳۵؛ و مبدء و معاد، برگه ۲۶۰، نقل از مصطلحات صدرالدین شیرازی، دکتر سجادی، در کلمه عنقا.

<sup>۲</sup> طائر و قدسی، نام منظومه‌ای است از نراقی کاشانی. نک: الذریعة، ج ۹، ۶۱۳؛ و ج ۱۵، ۱۳۳.

<sup>۳</sup> بهرام یشت، ۳۴ - ۳۸.

<sup>۴</sup> عقل سرخ، سهروردی، برگه ۲۳۴.



در معتقدات ثنویان، آتش‌زدن پَر؛ یا مو، یکی از وسائل ارتباط مردم نیکوکار با ارواح نیکوسرشت و ارتباط مردم تبه‌کار با ارواح بدسرشت بوده است و امروزه نیز مثلاً چون در مجلس خصوصی نشسته باشیم و کسی که مورد علاقه ما نیست، ناگهان وارد شود، می‌گوییم: گویی مویش را آتش زدند و در جای دیگر می‌گوییم: فلانی هم‌چون دیوی که مویش را آتش بزند، همیشه بر سر بزنگاه حاضر می‌شود.<sup>۱</sup>

### جایگاه سیمرغ

**۶- جایگاه سیمرغ:** جایگاه سیمرغ در اوستا چنان که گذشت در «دریای وروکاشا» است و در مینوک خرد آشیان «سین مورو» بر درخت «هرویسپ تخمه» می‌باشد، مانند این داستان در عقل سرخ سهروردی نیز آمده است؛ لیکن نام درخت در آن جا به طوبی که یک واژه سامی است تبدیل شده و از عجایب هفت‌گانه جهان شناخته است که در میان یازده کوه قاف جا دارد، چنان که جای این درخت در سمک عیار<sup>۲</sup> در جنگل دیده می‌شود.

جایگاه سیمرغ در اوستا چنان که گذشت در دریای وروکاشا، و در گرشاسپ‌نامه جزیره سوماترا و در نزهة القلوب حمدالله مستوفی جزیره ارمنی و در رساله طیر فارسی غزالی (← برگه ۳۷) جزیره عزت است که شاید مصحف غرب باشد؛ زیرا که جای عنقا در سالة عربی غزالی «مواطن الغرب» آمده است. از این رو، رساله عربی غزالی را «عنقاء مغرب» نیز نامیده‌اند<sup>۳</sup> و شاید غزالی آن را از رساله ۲۲ اخوان الصفا گرفته باشد<sup>۴</sup>. که در آن، جای عنقای مغرب کوه‌های بلند جزیره بحر اخضر معین شده است.

جای سیمرغ در شاهنامه، کوه البرز است.

<sup>۱</sup> برای کلمه سیمرغ از مقالات زیر استفاده به عمل آمد: پورداود، فرهنگ ایران باستان، برگه ۳۰۲؛ دکتر احمد طباطبایی. سیمرغ در چند حماسه ملی، نشریه دانشکده ادبیات تبریز، سال ۱۳۳۵ خ، برگه ۴۴ - ۵۱؛ و دکتر معین، ایران لیک، ج ۱۸، ش ۱، برگه ۱ - ۱۱؛ و فرهنگ معین؛ و دکتر مشکور پیش‌گفتار منطق طیر عطار، چ. تبریز ۱۳۳۷ خ؛ و حواشی دکتر گوهرین بر همان کتاب، چ. بنگاه نشر کتاب.

<sup>۲</sup> سمک عیار، چ. تهران، ج ۲، ۵۵۵.

<sup>۳</sup> الذریعة، ج ۱۵، ۳۵۲.

<sup>۴</sup> رسائل اخوان الصفاء، چ. بیروت، ۱۹۵۷ م، ج ۳، ۲۹۳.

سهروردی در عقل سرخ و عطار در منطق الطیر، البرز را به قاف برگردانیده‌اند.<sup>۱</sup>

### کوه البرز و کوه قاف

۷- کوه البرز و کوه قاف: البرز که در شاهنامه جایگاه سیمرغ شناخته شده و نام سلسله کوهی است که در شمال ایران کشیده شده و از طرف مشرق به هندوکش می‌پیوندند، در اوستا به صورت *Herabrezaiti* و در پهلوی به صورت *Harborz* آمده است.

طبری (د: ۳۱۰ ق / ۹۲۲ م) قاف را که در آغاز پنجاهمین سوره قرآن آمده است به معنی کوهی تفسیر کرده که دورادور زمین را فرا گرفته است.<sup>۲</sup> شاید همین افسانه عربی سبب شده است که کوه «البرز» با کوه قاف تطبیق داده شده و عطار جایگاه سیمرغ را در پشت آن، یعنی ماورای مرز عالم طبیعت قرار دهد.

<sup>۱</sup> منطق الطیر، گفتارهای ۲ و ۱۵ و ۳۳ یاد شده است.

<sup>۲</sup> طبری، جامع البیان فی تفسیر القرآن، ج. بولاق. ۱۳۲۹ ق / ۱۹۱۱ م، ج ۶، ۹۳.

## کتاب‌نامه

## نمایه کتاب و مقاله

پیش‌گفتار کتاب سیمرغ و سی مرغ

۴۶

*A bibliography of Iran vol. 11. P. 185 - 187*

Abraham Valentine Williams Jackson, L.H.D., Ph.D., LL.D. (February 9, 1862 – August 8, 1937): *The Allegory of The Mout and The Flame, Translated from Mantiq attair of farid – ad – Din Attar. Journal of Amerocan oriental soc. Vol 36, 1917, PP. 345 – 47.*

Das Meer der Seele. Mensch, Welt und Gott in den Geschichten des Farīduddīn 'Aṭṭār (1955); English translation: *The Ocean of the Soul: Men, the World and God in the Stories of Farid Al-Din' Attar* (Brill, 2003)

Hellmut Ritter (27 February 1892 - 19 May 1971).

Krehl Ludolf: *Compte – rendu de La Poesie Pilosophi – que et Religieuse. Chez Les Persans d'apres Le Mantic Uttatir. Ou le Langage des oiseaux de Farid – ud – Din Attar. Par M. Garcin de Tassy. 1857. Gottingen, 1858.*

Masani, R. P.: *The conference of The birds a Sufi all – egory, being an abridged version of Farid ud – Din Attar's Mantiq - ut – tair, London, 1924.*

NATT, CS.: *The conference of The birds (Mantiqu't – tair) A Philosophical religious poem in prose Trans Reissue, London, 1961, 155 P.*

S., B. de: *Letter Sur Le Mantic - uttair. (Langage des oiseux) poe'me Persan de Philosophie religieuse Par Ferid ud – din Attar. Paris, 1856.*

SHAIKH, Gulam Mhammad Abid: *Translation of Mantid – ut – tair 1- 1110. With explanatoey notes allusions, life of The Poet ahd an outline of The book. Ahmedabad. 1911.*

TAESCHNER: F. : *Des altrum turkischen Dichters Gulsehri Werk Mantik ut – tayr und Seine Vorlage, das gleichnsmige werk des Persischin Dichters Fariduddin Attar. Nemeth Armagani, 1962. PP. 359 – 371.*

TASSY. M. Garcin de: *Farid – udddin Attar. Mantic Uttair ou le langage des oiseaux, Poeme de Philosophie religieuse Public' en person. 1857.*

V. M. Navabi. *A Bibliography of Iran Vol. 11. P. 185 – 187.*

WRICHT. William Aldis (ed): *A bird – eye View of Farid Uddin Attar's Bird Parliament. Letters and Litterrary remains of Edward Fitz Gerald London, and Neeyord, 1889, PP. 431 – 82.*

ابطال الزمان الموهوم، ملا اسماعیل خواجویی (د: ۱۷۳۱ ق)، کتابخانه مرعشی در قم.

دکتر علی نقی  
نیم‌سنزوی

اثولوجیا، چاپ سنگی، در حاشیه قیسات میرداماد، سال ۱۳۱۵ق، برگه ۱۷۲، ۲۱۱؛ چاپ عبدالرحمان بدوی، قاهره، ۱۹۶۶م. اثولوجیا، ترجمه به عربی ابن‌ناعمه حمصی عبدالملکیح فرزند عبدالله (ز: ۲۲۰ق) از تاسوعات فلوطین، تحقیق عبدالرحمان بدوی، با نام افلوپین عند العرب، قاهره، ۱۹۵۵؛ برگردان به پارسی حسن ملکشاهی، انتشارات سروش، تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۸.

احسن التقاسیم فی معرفة الأقالیم، شمس‌الدین ابوعبدالله محمد فرزند احمد مقدسی (۳۳۴ - ۳۸۰ق)، به کوشش دخویه هلندی (۱۸۳۶ - ۱۹۰۹م)، لیدن، ۱۹۰۶م؛ برگردان علینقی منزوی (۱۳۰۲ - ۱۳۸۹خ)، چاپ کاویان، ناشر کومش، شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، تهران، ۱۳۶۱خ.

إخبار العلماء بأخبار الحكماء، تاریخ الحكماء، قفطی، جمال‌الدین ابوالحسن علی فرزند قاضی یوسف فرزند ابراهیم فرزند عبدالواحد شیبانی (۵۶۳ - ۶۴۶ق)، به کوشش یولیوس لیپرت، لایپزیگ، ۱۳۲۱ق / ۱۹۰۳م؛ ترجمه محمد فرزند علی فرزند محمد خطیبی روزنی (۱۰۹۹ق) به دستور شاه سلیمان صفوی، تصحیح بهین دارایی، دانشگاه تهران، ۱۳۴۷خ. إختیار معرفة الرجال، رجال کشی؛ یا معرفة الثاقلین، محمد فرزند عمر کشی (د: ۳۴۰ق)، تصحیح و تحقیق حسن مصطفوی، مقدمه‌نگاری محمد واعظزاده خراسانی دانشگاه مشهد، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، مرکز تحقیقات و مطالعات، مشهد، ۱۳۴۸خ؛ دیگر: تحقیق و تصحیح محمدتقی فاضل میبدی و ابوالفضل موسویان، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۸۲خ.

آراء أهل المدينة الفاضلة، مبادی آراء أهل المدينة الفاضلة، ابونصر محمد فرزند طرخان فرزند اوزلغ فارابی (۲۵۹ - ۳۳۹ق / ۸۷۳ - ۹۵۰م)، مطبعة الكاتولیکية، بیروت، ۱۳۷۸ق / ۱۹۵۹م. ارژنگ مانی، ارژنگ یا آردهنگ.

الاستبصار فیما اختلف من الأخبار، شیخ الطائفه، ابوجعفر محمد فرزند حسن طوسی (د: ۴۶۰ق / ۱۰۶۸م)، تحقیق و تصحیح حسن موسوی خراسان، دار الکتب الاسلامیه، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۰ق.

اسرارنامه، فریدالدین ابوحامد محمد فرزند ابراهیم عطار نیشابوری (۵۴۰ - ۶۱۸م)، تصحیح صادق گوهرین، تهران، ۱۳۳۸خ؛ دیگر: تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی، انتشارات سخن، تهران، ۱۳۸۶خ.

اسفار، ملاصدرا، ج ۴، ۱۳۵؛ و مبدء و معاد، برگه ۲۶۰، نقل از مصطلحات صدرالدین شیرازی، دکتر سجادی، در کلمه عنقا. اشراق هندوایرانی و نبوت اسرائیلی، علی‌نقی منزوی (۱۳۰۲ - ۱۳۸۹ خ)، مجله کاوه، مونیخ، شماره ۳۶، سال ۹، مرداد ۱۳۵۰، جمادی‌الثانی ۱۳۹۱، اوت ۱۹۷۱، برگه‌های ۲۱۸ - ۲۲۴.

الاضحویة فی المعاد، ابوعلی ابن‌سینا، حسین (۳۷۰ - ۴۲۸ ق)، تحقیق سلیمان دنیا، قاهره، ۱۹۴۹؛ ترجمه رساله‌ی اضحویه، نویسنده ناشناس، پارسی تصحیح به همراه تعلیقات حسین خدیوچم بر اضحویه، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۰ خ. آ. آغاز صفر سیمرغ، چ. اشتونگارت، ۱۹۳۵ م، برگه ۱۳ - ۱۶ و در مجموعه آثار سهروردی، چ. دکتر حسین نصر، تهران، ۱۳۴۸ خ / ۱۹۶۹ م)

آغاز و انجام، خواجه نصیرالدین طوسی محمد فرزند محمد فرزند حسن، (۵۹۷ - ۶۷۲ ق)، تهران، ۱۳۳۵ خ؛ تصحیح حسن حسن‌زاده آملی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ چهارم، ۱۳۷۴ خ؛

الافلاطونیه المحدثه عند العرب، عبدالرحمان بدوی، وكالة المطبوعات، کویت، ۱۹۷۷.

الف لیلہ و لیلہ، تصحیح انطون الصالحانی، چاپ چهارم، یسوعیه، بیروت، لیلہ ۵۲۴. البته این نسخه قابل اعتماد نیست؛ زیرا که مصحح در پیش‌گفتار اعتراف کرده که برخی از کلمات غیر عربی را به عربی برگردانیده است.

انجیل ابن‌دیسان (۱۵۴ - ۲۲۲ م)

انجیل مرقیون (۸۵ - ۱۵۰ م)

انجیل، حضرت مسیح (ع) پیامبران مسیحیان.

الأنوار الساطعة فی المائة السابعة، طبقات اعلام الشیعة، آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مقدمه‌نگاری، تصحیح و تحقیق علی‌نقی منزوی (۱۳۰۲ - ۱۳۸۹ خ)، دارالکتب العربی، بیروت، لبنان، ۱۹۷۲ م.

آواز پر جبریل، شهاب‌الدین سهروردی (ک: ۵۸۷ ق / ۱۱۹۱ م)، به کوشش هانری کربن و پل کراوس، ۱۹۳۵ م

آواز پر جبریل، شهاب‌الدین سهروردی (ک: ۵۸۷ ق / ۱۱۹۱ م)، مجموعه آثار فارسی شیخ اشراق شهاب‌الدین یحیی

سهروردی، تصحیح و تحشیه و مقدمه حسین نصر، انستیتوی فرانسوی، روش‌های علمی، تهران، ۱۹۷۰، برگه ۲۰۷ - ۲۲۳.

اوستا

ایران لیک، دکتر معین، ج ۱۸، شماره یک، برگه ۱ - ۱۱؛

برزنامه، خواجه عمید عطایی رازی، ناکوک (سده ۵هـ)

تاریخ ادبیات در ایران، ذبیح‌الله صفا، انتشارت ابن‌سینا، تهران، ۱۳۴۲خ.

تاریخ آل زُرّارة، درباره ابوغالب زراری زراره فرزند اعین و خاندانش، محمدعلی موحد ابطحی (۱۳۰۹ - ۱۳۸۱خ)، چ. اصفهان، ۱۳۹۹ق / ۱۹۷۸م.

تاریخ الحکماء، قفطی، چ. لپرت، برگه ۸۹؛ تاریخ الحکماء، إخبار العلماء به أخبار الحکماء قفطی، جمال‌الدین علی فرزند یوسف فرزند ابراهیم شیبانی (۵۶۸ - ۶۴۶ق / ۱۱۷۲ - ۱۲۴۸م)، برگردان محمد فرزند علی فرزند محمد خطیبی روزنی (۱۰۹۹ق) به دستور شاه سلیمان صفوی، به کوشش بهین دارایی، تهران، ۱۳۴۷خ.

تاریخ طبری، تاریخ الرسل و الملوک، تاریخ الأمم و الملوک، محمد فرزند جریر طبری (د: ۳۱۰ق / ۹۲۲م)، چاپ اروپا؛ ترجمه ابوالقاسم پاینده، انتشارات بنیاد فرهنگ، ۱۵ جلد، ۱۳۵۲خ؛ و در سال ۱۳۵۳خ، انتشارات بنیاد فرهنگ، ۱۶ جلد. تثبیت دلائل النبوة، قاضی عبدالجبار فرزند أحمد فرزند عبدالجبار همدانی اسدآبادی، أبوالحسین المعتزلی (۳۲۴ - ۴۱۵ق / ۹۳۶ - ۱۰۲۴م)، دارالمصطفی، قاهره، مصر، ۱۴۲۷ق؛ با تصحیح دکتر عبدالکریم عثمان در بیروت ۱۹۶۶، جزء اول، ۳۰۳ برگه.

تحصیل السعادة، ابونصر محمد فرزند محمد فرزند طرخان فارابی (د: ۳۳۹ق)، چاپ حیدرآباد، دکن، ۱۳۴۵ق.

تذکره الأولیاء، فریدالدین ابوحامد محمد عطار، شیخ عطار نیشابوری (۵۴۰ - ۶۱۸ق / ۱۱۴۶ - ۱۲۲۱م)، توسط رنالد نیکلسن انگلیسی، چ. لیدن، ۱۹۰۵ - ۱۹۰۷م؛ دیگر: تصحیح محمد استعلامی، انتشارات زوار، ۱۳۸۳خ؛ دیگر: تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی، انتشارات سخن، تهران.

تذکره ریاض العارفین، رضاقلی فرزند محمد هادی هدایت طبرستانی (۱۲۱۵ - ۱۲۶۷ق)، مقدمه، تصحیح و تعلیقات گیتا اشیدری و ابوالقاسم رادفر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۸۵خ.

ترجمه رسالة الطیر ابن‌سینا، اخسیکتی احمد فرزند قاسم فرزند احمد فرزند خدیو (سده ۶هـ / ۱۲م) نسخه آن که در ۸۹۸ق / ۱۴۹۲م رونویسی شده، نک: فهرست مجلس، حایری، ج ۵، ۴۱۲.

ترجمه رسالة الطیر ابن سینا، ملا وجیه‌الدین که به گفته دکتر مهدوی نسخه‌اش به شماره ۳۶۸۸ در کتابخانه اسعد افندی هست.

تَهْذِيبُ الْأَحْكَامِ، شیخ الطائفه، ابوجعفر محمد فرزند حسن طوسی (د: ۴۶۰ ق / ۱۰۶۸ م)، تصحیح احمد شیرازی و باقر قوچانی، تهران، ۱۳۱۷ و ۱۳۱۸ خ؛ تصحیح حسن موسوی خراسان، نجف، ۱۳۷۸ - ۱۳۸۲ ق؛ تصحیح محمدجعفر شمس‌الدین، بیروت؛ تصحیح علی‌اکبر غفاری، اسلامیه، تهران.

تورات، حضرت موسی (ص)، پیامبر یهودیان.

جامع البیان فی تفسیر القرآن، طبری، ج. بولاق. ۱۳۲۹ ق / ۱۹۱۱ م؛ تفسیر طبری، جامع البیان عن تأویل القرآن، محمد فرزند جریر طبری (د: ۳۱۰ ق / ۹۲۲ م)، مصطفی سقا، قاهره، ۱۹۵۷ م؛ پژوهش محمود محمد شاکر، قاهره، ۱۳۹۴ ق / ۱۹۷۴ م.

جرجیس و دادیانه

جستجو در احوال و اشعار فریدالدین عطار نیشابوری [محمد فرزند ابراهیم، عطار نیشابوری (۵۳۴-۶۳۷ ق)]، سعید نفیسی (۱۲۷۴-۱۳۴۵ خ)، انتشارات اقبال، تهران، ۱۳۲۱ خ، ۱۹۴ برگه.

جنبش بردگان زنگی در جنوب (۱) (۲)، «جامعه معلمین» در راه فرهنگ نو جامعه، ج ۱، شماره ۸، خرداد ۱۳۳۲، برگه ۶۸ - ۷۱؛ «جامعه معلمین» در راه فرهنگ نو، ج ۱، شماره ۹، تیر ۱۳۳۲، برگه ۶۰ - ۷۶.

جواهر الغوالي من رسائل حجة الاسلام الغزالي، سبع رسائل، به کوشش محی‌الدین صبری کردی، مصر، ۱۳۴۳ ق. حواشی بر منطق الطیر، عطار، دکتر صادق گوهرین، بنگاه نشر کتاب.

حی بن یقظان و سلامان و ابسال، ضیاءالدین سجادی، انتشارات سروش، چاپ دوم، ۱۳۸۲.

حَيِّ بْنِ يَقْظَانَ، ابن سینا (د: ۴۲۸ ق / ۱۰۳۷ م)، به کوشش آوگوست فردیناند میکال مهن، رسائل الشیخ رئیس ابی‌علی الحسین عبدالله بن سینا فی اسرار الحکمة المشرقیة، در ۱۳۰۶ - ۱۳۱۷ ق / ۱۸۸۹ - ۱۸۹۹ م، لیدن.

حی بن یقظان لابن سینا و ابن طفیل و السهروردی، احمد امین، قاهره در ۱۳۳۱ خ / ۱۹۵۲ م.

- خاندان کارکیا در گیلان (۷۶۰ - ۹۹۹ق)، علی نقی منزوی، گیلان‌نامه، جلد دوم، مجموعه مقالات گیلان‌شناسی، رشت، ۱۳۶۹خ، برگه ۵۱۴ - ۴۲۵؛
- خاندان نوبختی، عباس اقبال آشتیانی، تهران، چاپ اقبال، تهران، ۱۳۱۱خ؛ چاپ دیگر: انتشارات طهوری، تهران، ۱۳۵۷خ.
- خاندان‌های بزرگ ایران ساسانی در سده‌های آغازین پیروزی عرب، علی نقی منزوی، ارج‌نامه ایرج، به خواستاری محمدتقی دانش‌پژوه و عباس زریاب خوبی، به کوشش محسن باقرزاده، انتشارات توس، تهران، ۱۳۷۷خ، ج ۲، برگه ۷۴۳ - ۷۵۴.
- خداینامک دوران ساسانی  
خسرونامه، فریدالدین ابوحامد محمد فرزند ابراهیم عطار نیشابوری (۵۴۰ - ۶۱۸م)، تصحیح احمد سهیلی، کتابفروشی زوار، تهران، ۱۳۵۵خ؛ دیگر: مؤسسه فرهنگی اندیشه در گستر، تهران، ۱۳۸۲خ.
- خلاصه منطق الطیر عطار نیشابوری، صادق گوهرین (۱۲۹۳ - ۱۳۷۴خ)، انتشارات امیرکبیر، تهران، چ. دهم، ۱۳۶۹خ، ۵۶ برگه.
- خمسون و مائه صحابی مختلق، مرتضی عسکری (۱۲۹۳ - ۱۳۸۶خ)، چاپ بیروت، ۱۹۶۸، ۴۲۰ برگه؛ خمسون و مائه صحابی مختلق، مرتضی عسکری، بغداد، منشورات کلیة اصول الدین، ۱۳۸۷ق؛ سید مرتضی عسکری متن عربی (چاپ دوم بغداد، ۱۹۶۹م، ۴۱۶ برگه)؛ صد و پنجاه صحابی ساختگی ترجمه فارسی عطا محمد سردارنیا، قم، ۱۳۷۸خ.
- خمسون، معرفی کتاب «خمسون و مائه صحابی مختلق» یکصد و پنجاه صحابی ساختگی، مجله کاوه، مونیخ، شماره ۳۹، سال ۹، بهمن ۱۳۵۰، فوریه ۱۹۷۲، ذی حجه ۱۳۹۲، برگه ۷۳۲ - ۷۳۴.
- درس‌هایی درباره اسلام، نوشته ایگناس گلدزیهر (۱۸۵۰ - ۱۹۲۱)، در سال‌های ۱۸۸۵ و ۱۸۹۰م چاپ شد؛ ترجمه دکتر علی نقی منزوی، چاپ بنیاد فرهنگ ایران، تهران، ۱۳۵۷خ، دو مجلد، ۸۲۲.
- دلالة الحائرين، ابن میمون، ابو عمران موسی فرزند میمون فرزند عبدالله قرطبی اسرائیلی قرطبی اندلسی (۵۳۰ - ۶۰۳ق / ۱۱۳۵ - ۱۲۰۵م)، تصحیح حسین اتای، استانبول، ۱۹۷۴م، برگه ۱۸۵؛ چ. دیگر در مصر، مكتبة الثقافة الدينية، قاهره. دلالة الحائرين، ابن میمون؛ ترجمه فرانسوی مونک *Munk*، *Guide des è garè s 2: 304*.



- الدین و الدولة (نگارش: ۲۵۲ق / ۸۶۷م)، ابوالحسن علی فرزند سهل ربن طبری، تصحیح و تعلیق از مغنانه، قاهره ۱۹۲۳م؛ به کوشش عادل نویهض، بیروت ۱۹۷۳م، ۲۳۹ برگه.
- الذریعة إلى تصانيف الشيعة القسم الثاني من الجزء التاسع، ديوان ذاتی - ديوان عبدالصمد، آقابزرگ تهرانی، به کوشش علی نقی منزوی، چاپخانه دولتی، تهران، ۱۳۳۸خ / ۱۳۷۸ق / ۱۹۵۹م.
- الذریعة إلى تصانيف الشيعة، الجزء الاول، آب حیات - ازهاق الباطل، آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸خ)، مطبعه الغري، نجف، عراق، ۱۳۵۵ق / ۱۹۳۶م.
- الذریعة إلى تصانيف الشيعة، الجزء التاسع عشر، المآب - المجاهدات، آقابزرگ تهرانی، به کوشش احمد منزوی، چاپخانه اسلامیه، تهران، ۱۳۴۸خ / ۱۳۸۹ق / ۱۹۶۹م.
- الذریعة إلى تصانيف الشيعة، الجزء الثالث عشر، شاپور و شهناز - شرح قصیده ابن سینا العینیة، آقابزرگ تهرانی، مطبعه القضاء، نجف، عراق، ۱۳۷۸ق / ۱۹۵۹م.
- الذریعة إلى تصانيف الشيعة، الجزء الثامن عشر، کشف - لیلی و مجنون، آقابزرگ تهرانی، به کوشش احمد منزوی، چاپخانه اسلامیه، تهران، ۱۳۴۶خ / ۱۳۸۷ق / ۱۹۶۷م.
- الذریعة إلى تصانيف الشيعة، الجزء الثاني والعشرون، المقاليد - المنتخب، آقابزرگ تهرانی، به کوشش احمد منزوی، چاپخانه اسلامیه، تهران، ۱۳۵۳خ / ۱۳۹۳ق / ۱۹۷۴م.
- الذریعة إلى تصانيف الشيعة، الجزء الثاني، الأسارى و الغلول - ایوان مدائن، آقابزرگ تهرانی، مطبعه الغری، نجف، عراق، ۱۳۱۵خ / ۱۳۵۵ق / ۱۹۳۶م.
- الذریعة إلى تصانيف الشيعة، الجزء الحادي و العشرون، المستبين - المقالة، آقابزرگ تهرانی، به کوشش احمد منزوی، چاپخانه اسلامیه، تهران، ۱۳۵۱خ / ۱۳۹۲ق / ۱۹۷۲م.
- الذریعة إلى تصانيف الشيعة، الجزء الخامس و العشرون، واثق - یهو، آقابزرگ تهرانی، به کوشش علی نقی منزوی، چاپخانه اسلامیه، تهران، ۱۳۵۷خ / ۱۳۹۸ق / ۱۹۷۸م.

- الذریعة إلى تصانيف الشيعة، الجزء الخامس و العشرون، واثق - يهو، آقابزرگ تهرانی، به کوشش علینقی منزوی، چاپخانه اسلامیة، تهران، ۱۳۵۷ خ / ۱۳۹۸ ق / ۱۹۷۸ م.
- الذریعة إلى تصانيف الشيعة، الجزء الخامس عشر، صابون - عیون، آقابزرگ تهرانی، به کوشش احمد منزوی، دانشگاه تهران، ۱۳۴۳ خ / ۱۳۸۴ ق / ۱۹۶۵ م.
- الذریعة إلى تصانيف الشيعة، الجزء الرابع و العشرون، نائیبه - نیه، آقابزرگ تهرانی، به کوشش علی نقی منزوی، چاپخانه اسلامیة، تهران، ۱۳۵۶ خ / ۱۳۹۸ ق / ۱۹۷۸ م.
- الذریعة إلى تصانيف الشيعة، الجزء السابع، حساب - خیمه شب‌بازی، آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، به کوشش علی نقی منزوی (۱۳۰۲ - ۱۳۸۹ خ)، چاپخانه مجلس، تهران، ۱۳۲۷ خ / ۱۳۶۷ ق / ۱۹۴۸ م.
- الذریعة إلى تصانيف الشيعة، الجزء السابع، حساب - خیمه شب‌بازی، آقابزرگ تهرانی، به کوشش علی نقی منزوی، چاپخانه مجلس، تهران، ۱۳۲۹ خ / ۱۳۶۹ ق / ۱۹۵۰ م، ۳۲۰ برگه.
- الذریعة إلى تصانيف الشيعة، الجزء السابع عشر، قائد القوات العلویه - الکسوف و الخسوف، آقابزرگ تهرانی، به کوشش احمد منزوی، چاپخانه اسلامیة، تهران، ۱۳۴۶ خ / ۱۳۸۷ ق / ۱۹۶۷ م.
- الذریعة إلى تصانيف الشيعة، الجزء السادس، الحائریات - حزن المؤمنین، آقابزرگ تهرانی، به کوشش علی نقی منزوی، چاپخانه مجلس، تهران، ۱۳۲۵ خ / ۱۳۶۵ ق / ۱۹۴۶ م.
- الذریعة إلى تصانيف الشيعة، القسم الثالث من الجزء التاسع، دیوان عبدالصمد - دیوان مینوی همدانی، آقابزرگ تهرانی، به کوشش علی نقی منزوی، دانشگاه تهران، ۱۳۴۲ خ / ۱۳۸۳ ق / ۱۹۶۴ م.
- الذریعة إلى تصانيف الشيعة، القسم الرابع من الجزء التاسع، دیوان نایب - دیوان یونس، آقابزرگ تهرانی، به کوشش علی نقی منزوی، دانشگاه تهران، ۱۳۴۵ خ / ۱۳۸۶ ق / ۱۹۶۷ م.
- ذریعه الی تصانيف الشیعه، القسم الاول من الجزء التاسع، دیوان آئینه - دیوان دیهیم، آقابزرگ تهرانی، به کوشش علی نقی منزوی، مجلس شورا، تهران، ۱۳۳۳ خ / ۱۳۷۴ ق / ۱۹۵۵ م.

- رجال ابن الغضائري، كتاب كتاب الصُّعفاء و كتاب الجَرْح، حسين فرزند عبيدالله فرزند ابراهيم غضائري (د: ۱۱ق / ۱۰۲۰م)، محمد رضا حسيني جلالی، قم، مؤسسه علمی و فرهنگی دارالحدیث، ۱۴۲۲ق.
- رجال الطوسي، الأبواب، شيخ الطائفة ابو جعفر طوسی (د: ۶۰ق)، چاپ جواد قیومی اصفهانی، قم، ۱۴۱۵ق؛ رجال الطوسي، شيخ الطائفة ابو جعفر محمد فرزند حسن (د: ۶۰ق)، تصحيح محمدصادق آل بحر العلوم، مطبعة الحيدرية، نجف، ۱۳۸۱ق / ۱۹۶۱م.
- رجال قهپایی؛ مجمع الرجال، عنایت‌الله قهپایی (ز: ۱۱ق)، اصفهان، ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۷ق؛ چاپ دیگر: ناشر اسماعیلیان، قم، ۱۳۶۴خ.
- رجال كشي نقل از مجمع الرجال قهپایی: نک: اختيار معرفة الرجال ...
- رجال نجاشی (د: ۵۰ق): فهرست أسماء ...
- رسالة أبي غالب الزراري إلى ابن ابنه في ذكر آل أعين مع تكملتها، نوشته ابو غالب زراری، تحقیق محمد رضا جلالی حسینی، حوزه علمیه قم، مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی، قم، رجب ۱۴۱۱ق.
- الرسالة الذهبية؛ مذهب، المعروفة بطب الرضا (ع)، تحقیق محمد مهدی نجف، منشورات مكتبة امام الحكيم العامة، نجف.
- رسالة الطير ابن سينا، برگردان پارسى يحيى فرزند حبیب سهروردی (ک: ۵۸۷ق)
- رسالة الطير، ابن سينا (د: ۲۸ق / ۱۰۳۷م)
- رسالة الطير، ابو حامد محمد فرزند محمد غزالی شافعی، ملقب به حجة الاسلام زين الدين طوسی (۴۵۰ - ۵۰۵ق / ۱۰۵۸ - ۱۱۱۱م)، مصر ۱۳۱۹ و ۱۳۲۸ و ۱۳۴۳ و ۱۳۵۳ ششمین از هفت رساله مجموعه الجواهر الغوالي؛ همراه با رساله طير ابن سينا، بيروت، ۱۹۱۱م.
- رسالة الطير، ترجمه اخسيكتی احمد بن قاسم بن احمد بن خديو (سده ۶هـ / ۱۲م)، به كوشش محمدباقر سبزواری، مجموعه ۱۴ رساله، انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۵۰خ / ۱۹۶۱م، برگه ۱۵۲ - ۱۶۲.
- رسالة الطير، ترجمه ملا وجیه‌الدین، نسخه‌اش به شماره ۳۶۸۸ در کتابخانه اسعد افندی در استانبول

- رسالة الطير، جواهر الغوالي من رسائل حجة الاسلام الغزالي، سبع رسائل، به كوشش محى الدين صبرى كردى، مصر، ۱۳۴۳ق.
- رسالة الطير، غزالي، به كوشش نصرالله پورجوادى نسخه فارسى همراه عربى با يك مقدمه فارسى و يكى انگليسى در ۵۰ برگه، تهران ۱۳۹۶ق / ۱۹۷۶م.
- رسالة الطيور، نجم الدين رازى (د: ۶۵۵ق / ۱۲۵۶م)، مجموعه به شماره ۸/ ۱۵۸۹ در كتابخانه كوپرولو تركيه از برگ ۲۳۲ تا ۲۳۴پ.
- رسالة القدس، روزبهان بقلی (۵۲۲- ۶۰۶ق)، چ. دكتر جواد نوربخش، ۱۳۵۱خ / ۱۹۷۱م.
- رسالة في حالة الطفولية، شهاب الدين سهروردى (ك: ۵۸۷ق / ۱۱۹۱م)، مجموعه آثار فارسى شيخ اشراق، تصحيح دكتر حسين نصر، چ. تهران، ۱۳۴۸خ / ۱۹۶۹م، برگه ۲۶۴.
- رسالة طير ابن سينا، ترجمه به فارسى شهاب الدين سهروردى (ك: ۵۸۷ق / ۱۱۹۱م)، مجموعه اشتوتگارت، آثار فارسى سهرودى، مقدمه انگليسى از: *Otto Sples and S. K. Khalak*، اشتوتگارت، آلمان، ۱۹۳۵م، برگه ۳۹-۴۶.
- رسالة طير ابن سينا، ترجمه به فارسى شهاب الدين سهروردى (ك: ۵۸۷ق / ۱۱۹۱م)، مجموعه آثار فارسى سهرودى، دانشنامه، شماره ۲، تهران ۱۳۱۶ق / ۱۹۳۷م تجديد چاپ شد، سپس با تصحيح د
- رسالة طير، مجدالدين ابوالفتح احمد فرزند محمد غزالي (۴۵۲ - ۵۲۰ق / ۱۰۶۰ - ۱۱۲۶م)، تصحيح نسخه فارسى آن توسط نصرالله پورجوادى، تهران ۱۳۹۶ق / ۱۹۷۶م.
- رسائل اخوان الصفا و خلان الوفاء، رونويس كنده محمدعلى كشكول فرزند محمد اسماعيل شيرازى، هند ۹ ربيع الثانى ۱۳۰۱ / ۷ فوریه ۱۸۸۴م؛ چاپ دارصادر، بيروت، ۱۹۵۷م. رسائل اخوان الصفا والاعتبار.
- رياض العارفين، رضاقلی فرزند محمد هادی هدایت طبرستانی (۱۲۱۵ - ۱۲۶۷ق)، مقدمه، تصحيح و تعليقات گيتا اشيدرى و ابوالقاسم رادفر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگى، تهران، ۱۳۸۵خ.
- سام‌نامه، کمال الدين ابوالعطاء محمود کرمانی متخلص به خواجو (۷۵۳ق)، شماره بازبایى: ۲۵۲۶، شماره مدرک کتابخانه مجلس: IR10-26923.؛ تحقيق و تصحيح ميترا مهرآبادى، انتشارات دنياى كتاب، تهران، ۱۳۹۵خ.

- سلامان و ابسال و حی بن یقظان، ابن سینا، ضیاءالدین سجادی، انتشارات سروش، تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۲خ.
- سمک عیار سمک عیار، فرامرز فرزند خداداد فرزند عبدالله کاتب ارجانی، مقدمه، تصحیح و تحقیق پرویز ناتل خانلری، چ. تهران،
- سوره نحل، شماره ۲۷، آیت ۱۶ - ۲۰
- السیر و الطیر، مجد بغدادی کشته ۶۰۷ق / ۱۲۰۹م دارد که نسخه‌اش در مجموعه کوپرولو، شماره ۱۵۸۹، برگ ۴۱۸ با تاریخ ۷۵۴ق هست.
- سیمرغ در چند حماسه ملی. دکتر احمد طباطبایی، نشریه دانشکده ادبیات تبریز. سال ۱۳۳۵خ.
- سیمرغ در فضای فرهنگ ایران (آیا سیمرغ نیرویی اهریمنی است؟)، علی سلطانی، مجله نگین شماره ۱۲۱، خرداد ۱۳۵۴، برگه ۲۷ - ۳۴.
- سیمرغ و سی مرغ، دکتر علی نقی منزوی، انتشارات سحر، تهران، ۱۳۵۹خ، برگه ۷ - ۷۲؛ انتشارات راه مانا، تهران، ۱۳۷۹خ.
- شاهنامه فردوسی، بخش ۴، فریدون. نک: گنجور؛ شاهنامه فردوسی، ابوالقاسم حسن فرزند اسحاق فرزند شرفشاه توسی (۳۲۹ - ۱۶ق / ۹۴۱ - ۱۰۲۵م)، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۳خ.
- الشبكة و الطیر (نگارش: ۴۱۲ق / ۱۰۲۱م)، ابن سینا (د: ۴۲۸ق / ۱۰۳۷م) چ. مهن، لیدن، ۱۸۹۱م؛ دیگر: لويس شيخو، بيروت، ۱۹۰۸ و ۱۹۱۱م.
- شرح احوال و نقد و تحلیل آثار شیخ فریدالدین محمد عطار نیشابوری، محمدحسین بُشروه‌ای، بدیع الزمان فروزان‌فر (۱۲۸۳ - ۱۳۴۹خ)، تهران، ۱۳۳۹ - ۱۳۴۰؛ دیگر: انتشارات زوار، تهران، ۱۳۸۹خ.
- شرح الاصول الخمسة، عبدالجبار فرزند احمد قاضی معتزلی همدانی (د: ۴۱۵ق)، تصحیح عبدالکریم عثمان، قاهره، ۱۳۸۴ق؛ چاپ ۱۹۶۵م؛ تصحیح سمیر مصطفی رباب، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۳۲ق.
- شرح رساله الطیر ابن سینا، بی‌نام، به کوشش محمدباقر سبزواری یاد شده در همان مجموعه ۱۴ رساله، صص ۱۷۵ - ۲۱۱ چاپ کرده است.
- شرح رساله الطیر شیخ رئیس ابوعلی حسین فرزند عبدالله فرزند سینا (د: ۴۲۸ق / ۱۰۳۷م)، علی فرزند شاهک؛

شرح رساله الطیر شیخ‌الرئیس ابوعلی حسین فرزند عبدالله فرزند سینا (د: ۴۲۸ ق / ۱۰۳۷ م)، شریف فرزند ناصر هاشمی بغدادی.

شرح رساله الطیر، ابن سینا، عمر سهلان ساوجی، مجموعه اشتوتگارت، ۱۹۳۵ م، برگه ۴۷ - ۸۹.  
 شرحی بر نمایشنامه سی مرغ و سیمرغ (۱) (۲)، علی نقی منزوی، مجله یغما، سال سی ام، شماره ۶، شماره مسلسل ۳۴۸، شهریور ۲۵۳۶، رمضان - شوال ۱۳۹۷، برگه ۳۳۸ - ۳۴۴؛ مجله یغما، سال سی ام، شماره ۹، شماره ردیف ۳۵۱، آذر ۲۵۳۶، ذی قعدة - ذی حجه ۱۳۹۷، برگه ۵۲۷ - ۵۳۱.

شیخ صنعان عطار نیشابوری، ترجمه کردی قادر فتاحی قاضی، مؤسسه تاریخ فرهنگ و هنر ایران، دانشگاه تبریز، ۱۳۴۶ خ / ۱۹۶۷ م، ۱۳۴ برگه.

شیخ صنعان، ترجمه منطق الطیر عطار به کردی با مقدمه قادر فتاحی قاضی، مؤسسه تاریخ فرهنگ و هنر ایران دانشگاه تبریز، ۱۳۴۶ خ / ۱۹۶۷ م، ۱۳۴ برگه.

صدای بال سیمرغ، عبدالحسین زرین کوب (۱۳۰۱ - ۱۳۷۸ خ)، انتشارات سخن، تهران، ۱۳۷۸ خ، ۲۴۶ برگه.

صغیر سیمرغ، سهروردی، شهاب‌الدین، به کوشش حسین مفید - تهران، انتشارات مولی، ۱۳۸۲ خ.

صغیر سیمرغ، شهاب‌الدین سهروردی (ک: ۵۸۷ ق / ۱۱۹۱ م)، مجموعه اشتوتگارت، ۱۹۳۵ م، برگه ۱۳ - ۳۸

صوفیان بی‌سلسله و برخی ویژگی‌های ایشان، علی نقی منزوی، مجله کاوه، شماره ردیف ۴۵، سال ۱۱، شماره اول، نوروز ۱۳۵۲، ربیع الاول ۱۳۹۳، مارس ۱۹۷۳، برگه ۷۷ - ۸۸.

طائر و قدسی، نام منظومه‌ای است از نراقی کاشانی. نک: ذریعه، ج ۹، ۶۱۳؛ و ج ۱۵، ۱۳۳.

طوطی نامه، به انگلیسی و فارسی، انتشارات اسدی، تهران، ۱۳۴۶ خ / ۱۹۶۷ م.

طوطی نامه، ضیاء‌الدین نخشبی، فتح‌الله مجتبابی و غلامعلی آریا، انتشارات منوچهری، تهران، ۱۳۷۲ خ.

الطیر، الشبكة و الطیر، شیخ‌الرئیس ابوعلی حسین فرزند عبدالله فرزند سینا (د: ۴۲۸ ق / ۱۰۳۷ م)، به وسیله مهران در

لیدن ۱۸۹۱ م؛ دیگر: به کوشش لوپس شیخو، نشر یسوعیین، بیروت، ۱۹۰۸ و ۱۹۱۱ م؛

الطیر، الشبكة و الطیر، شیخ الرئیس ابوعلی حسین فرزند عبدالله فرزند سینا (د: ۴۲۸ق / ۱۰۳۷م)، ترجمه سهروردی کشته ۵۸۷ق / ۱۱۹۱م، از رساله الطیر ابن سینا، این ترجمه همراه شرح بر ترجمه منسوب به عمر سهلان ساوجی و دو رساله دیگر در مجموعه‌ای با مقدمه‌ای به انگلیسی از: *Otto Sples and S. K. Khalak* در اشتوتگارت آلمان ۱۹۳۵م صص ۳۹ - ۴۶ چاپ شد؛ چاپ دیگر: دانشنامه، ش ۲ در تهران ۱۳۱۶ق / ۱۹۳۷م؛ دیگر: تصحیح دکتر نصر و مسیو کربن، تهران، ۱۹۷۰م.

عبدالله بن سبأ و اساطیر اخری، نجف، ۱۳۷۵ق / ۱۳۳۵خ، (۲ جلد)؛ دیگر: چ. مصر، ۱۳۸۱ق / ۱۳۴۰خ؛ چ. بیروت، ۱۳۸۸ق، با ترجمه فارسی با عنوان «عبدالله بن سبأ و دیگر افسانه‌های تاریخی». علامه سید مرتضی عسکر. عبهر العاشقین، روزبهان بقلی (۵۲۲ - ۶۰۶ق)، تحقیق هانری کربن و محمد معین، بخش ایران‌شناسی انستیتوی ایران و فرانسه، چ. تهران، ۱۳۳۷خ؛ دیگر: ۱۳۴۹خ / ۱۹۷۰م.

عقل سرخ، شهاب‌الدین سهروردی (ک: ۵۸۷ق / ۱۱۹۱م)، مجموعه آثار فارسی شیخ اشراق، تصحیح دکتر حسین نصر، چ. تهران، ۱۹۶۹م، برگه ۲۲۶ - ۲۳۹.

الغارات، ابواسحاق ابراهیم بن محمد بن سعید بن هلال ثقفی کوفی (د: ۲۸۳ق)، تحقیق محدث ارموی، انتشارات انجمن آثار ملی، تهران، ۱۳۹۵ق.

غرر اخبار ملوک الفرس، ثعالبی (د: ۴۲۹ق / ۱۰۳۷م)، چ. پاریس ۱۹۰۰م؛ دیگر: افست تهران، ۱۹۶۳م، برگه ۶۹، ۳۰۴، ۳۰۴، ۳۱۶، ۳۱۸، ۳۶۶، ۳۶۸.

فرهنگ ایران باستان، ابراهیم پورداود (۱۲۶۴ - ۱۳۴۷خ)، انتشارات اساطیر، تهران، ۱۳۸۶خ.

فرهنگ معین، محمد معین، چ. تهران، ۱۳۶۲خ، چاپ پنجم. ← معین؛

فصل الخطاب فی تحریف کتاب ربّ الأرباب، حاجی نوری، میرزا حسین محدث نوری فرزند محمدتقی مازندرانی طبرسی (۱۲۵۴ - ۱۳۲۰ق)، چاپ سنگی، ۱۳۰۱ق.

الفهرست؛ یا فوز العلوم، ابن ندیم وراق بغدادی، ابوالفرج محمد فرزند اسحاق (۲۹۷ - ۳۸۵ق)، چاپخانه رحمانی، مصر، ۱۳۴۸ق؛ به کوشش و برگردان رضا تجدد، چاپ تهران، ۱۳۴۶خ.

فهرست أسماء مصنفی الشيعة، رجال النجاشي، نجاشي احمد فرزند علي (۳۷۲ - ۴۵۰ ق)، چاپ بمبئی؛ دیگر: به کوشش موسی شبیری زنجانی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۷ ق / ۱۳۸۲ خ.

فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی، جلد پنجم، به کوشش عبدالحسین حائری، تهران، ۱۳۴۵ خ، ۶۱۲ برگه.  
فهرست کتاب‌های خطی فارسی، خان‌بابا مشار (۱۲۷۹ - ۱۳۵۹ خ) [۵ مجلد]، جلد اول: تهران، ۱۳۵۰ خ، ۱۴۷۲ ستون.  
فهرست فارسی مشار، ج ۱، ۲۲۱).

فهرست کتب خطی کتابخانه آستان قدس رضوی، جلد چهارم، مشهد ۱۳۲۵، ۵۴۴ برگه.  
فهرست نسخه‌های خطی فارسی، احمد منزوی، ناشر، مؤسسه فرهنگی منطقه‌ای R.C.D، جلد یکم، تهران، ۱۳۴۸ خ، ۷۱۷ + ۷ ص.

فهرست نسخه‌های خطی فارسی، احمد منزوی، ناشر، مؤسسه فرهنگی منطقه‌ای R.C.D، جلد دوم، تهران، ۱۳۴۹ خ، از ص ۷۲۱ تا ۱۴۸۹ م. جلد دوم: (۲)، تهران، ۱۳۴۹ خ، از ص ۱۴۹۰ تا ۱۸۴۱.

فهرست نسخه‌های خطی فارسی، احمد منزوی، ناشر، مؤسسه فرهنگی منطقه‌ای R.C.D، جلد سوم، تهران، ۱۳۵۰ خ، از ص ۱۸۴۵ تا ۲۶۱۵؛

فهرست نسخه‌های خطی فارسی، احمد منزوی، ناشر، مؤسسه فرهنگی منطقه‌ای R.C.D، جلد چهارم، تهران، ۱۳۵۱ خ، از برگه ۲۶۱۷ - ۳۴۳۹؛

فهرست نسخه‌های مصنفات ابن سینا، یحیا مهدوی، دانشگاه تهران، ۱۳۳۳ خ.  
الفهرست، فهرست أسماء علماء الشيعة و مصنفیهم، منتجب‌الدین قمی رازی، علی فرزند عبیدالله فرزند حسن فرزند بابویه (۵۰۴ - ۵۸۵ ق)، تحقیق عبدالعزیز طباطبایی، مجمع الذخائر الاسلامیة، قم، ۱۴۰۴ ق؛ دار الاضواء، بیروت، ۱۴۰۶ ق / ۱۹۸۶ م.

قاموس المحيط، مجدالدین فیروزآبادی، چاپ دوم، چاپخانه المصریة، ۱۳۵۲ ق / ۱۹۳۳ م.  
قانون‌نامه آنگار، کهن‌ترین قانون کیفر ایرانی، علینقی منزوی، مجله کاوه، مونیخ، سال دهم، شماره پنجم، شماره ردیف ۴۴، آذرماه ۱۳۵۱، شوال ۱۳۹۲، نوامبر ۱۹۷۲، برگه‌های ۴۴۰ - ۴۴۶.



قبسات، میرداماد (د: ۱۰۴۱ق)، چ. نک‌گیل، برگه ۲۷۱-۲۷۳.

القرآت، احمد سیاری از یاران امامان دهم و یازدهم (ذریعه، ج ۱۷، ۲۵)

قرآن، پیامبر اسلام حضرت محمد (ص).

مجمع الرجال: نک: رجال فهپایی ...

مرصادالعباد، عبدالله بن محمد نجم رازی، چ. محمدامین ریاحی، تهران: ۱۳۶۵خ.

منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران از عصر میرداماد (م ۱۰۴۱ق) و میرفندرسکی (م ۱۰۵۰ق) تا زمان حاضر، جلال‌الدین

آشتیانی، دانشگاه مشهد، سال ۱۳۵۷، برگه ۲۳۵-۲۹۱.

منطق الطیر، عطار نیشابوری، به کوشش عزیزالله عزیزاده، انتشارات فردوس، تهران، ۱۳۸۷خ، برگه ۳۴۰.

منطق الطیر، عطار نیشابوری، ترجمه عبدالسلام مدرسی (خانی)، ارومیه، مؤسسه انتشاراتی حسینی اصل، چاپ اول،

۱۳۹۱خ.

نفحات الأنس من حضرات القدس، نورالدین عبدالرحمان فرزند احمد جامی (۸۱۷-۸۹۸ق)، تصحیح و تحقیق

عبدالحمید مولوی، ولیام ناسولیس و مولوی غلام عیسی، مطبعة لیسسی، چاپ کلکته، هند؛ دیگر: کتابفروشی محمودی،

تهران، ۱۳۳۶خ؛ دیگر: چاپ مهدی توحیدی پور

یشت‌ها، بهرام یشت، ابراهیم پورداود (۱۲۶۴-۱۳۴۷خ)، زیر نظر بهرام فره‌وشی، دانشگاه تهران، ۱۳۵۶خ.

قصه الغریبة الغریبة، سهروردی

قضا و قدر در ادبیات فارسی، علی‌نقی منزوی، مجله کاوه، مونیخ، شماره ۴۱-۴۲، س ۱۰، مرداد ۱۳۵۱خ، شمارگان برگه‌ها

با اعداد رومی I-XIV، پس از برگه ۱۶۸.

کافی، اصول، فروع، روضه کافی، ابوجعفر محمد فرزند یعقوب فرزند اسحاق رازی، ثقة‌الاسلام کلینی (۲۵۸-۳۲۹ق) / ۸۷۲

- ۹۴۱م)، پژوهش علی‌اکبر غفاری، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۵-۱۳۷۸ق.

کتاب الطیر، ابن‌سکیت نحوی. نک: فن یکم از مقالات سوم فهرست ابن‌ندیم.

کتاب القرائات أو التنزیل و التحریف، احمد فرزند محمد فرزند سیار سیاری (د: ۲۶۸ق) از یاران امامان دهم و یازدهم، نسخه خطی نزد محمد سماوی نجفی.

کتاب‌شناسی ادبیات فارسی در زبان فرانسه، انتشارات سخن گستر و معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه آزاد مشهد، ۱۳۹۳، ص ۱۵-۱۶

کشف المحجوب، علی فرزند عثمان فرزند علی جلابی هُجویری غَزَوی، داتا گنج‌بخش، زوکوفسکی، چ لنین‌گراد، ۱۹۲۶م؛ دیگر: تصحیح محمدحسین تسبیحی، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام‌آباد، ۱۳۷۴خ؛ دیگر: تصحیح محمود عابدی، انتشارات سروش، ۱۳۸۳خ.

کلیله و دمنه ابن مقفع شهید ۱۴۸ق / ۷۵۹م از پهلوی به عربی گردانید.

کنز الاحیاء، مانی

کنز الفوائد، ابوالفتح محمد فرزند علی فرزند عثمان کراچکی طرابلسی صوری (د: ۴۴۹ق)، انتشارات مصطفوی، قم ۱۴۱۰ق؛ دیگر: تصحیح عبدالله نعمه، دارالذخائر، قم، ۱۴۱۰ق.

گرشاسپ‌نامه، اسدی طوسی (د: ۴۶۵ق / ۱۰۷۲م)

لسان الطیر، ابن سینا نک: ذریعه، ج ۱۸، ۳۰۶ نسخه در کتابخانه تقوی

لسان الطیر، ترجمه منطق الطیر عطار به ترکی میرعلیشیر نوایی (د: ۹۰۶ق / ۱۵۰۰م) نک: ذریعه ۱۸: ۳۹۶ و ۱۹: ۲۷۵.

لسان الطیر، رساله فارسی ابن سینا، نک: ذریعه، ج ۱۸، ۳۰۶، نسخه خطی در کتابخانه تقوی، تهران و آستان قدس، ج ۴،

۱۳۲.

لسان الطیر، میرعلیشیر نوایی (د: ۹۰۶ق / ۱۵۰۰م)

لسان الطیر، میرعلیشیر نوایی جغتایی (د: ۹۰۶ق / ۱۵۰۰م) نک: الذریعة، ج ۱۸، ۳۰۶، شماره ۲۳۰.

لغت موران، شهاب‌الدین سهروردی (ک: ۵۸۷ق / ۱۱۹۱م)، مجموعه اشتوتگارت، در برگه ۳۴ یاد شده، برگه ۲-۱۲،

لغت موران، شهاب‌الدین سهروردی (ک: ۵۸۷ق / ۱۱۹۱م)، مجموعه آثار سهروردی، چ. دکتر حسین نصر، تهران، ۱۳۴۸خ

۱۹۶۹م، برگه ۲۹۳-۳۱۲.

لغت موران، شهاب‌الدین سهروردی (ک: ۵۸۷ق / ۱۱۹۱م)، نک: فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ج ۲، برگه ۱۳۴۴  
 لغت موران، شهاب‌الدین یحیی فرزند حبیب فرزند امیرک ابوالفتوح سهروردی، شیخ اشراق، شیخ شهید (۵۴۹ - ۵۸۷ق /  
 ۱۱۵۴ - ۱۱۹۱م)، تصحیح حسین مفید، انتشارات مولی، ۱۳۸۸.

ماللهند من مقولة: نک تحقیق ...

في تحقيق ماللهند من مقولة مقبولة في العقل او مزدولة ماللهند، تحقيق ماللهند، ابوريحان بيروني، محمد فرزند احمد  
 (۳۶۳ - ۴۴۰ق)، چ هند، ۱۹۵۸؛ برگردان منوچهر صدوقی سها، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۹۱.  
 المبدأ و المعاد، ملاصدرا، صدرالدین محمد فرزند ابراهیم قوام شیرازی (د: ۱۰۴۵ق)، انجمن فلسفه ایران با مقدمه آقای  
 حسین نصر به زبان فارسی و انگلیسی و نیز مقدمه تفصیلی جلال‌الدین آشتیانی در سال ۱۳۵۴خ.

مجله یغما، سال سی ام، شماره ۶، شماره مسلسل ۳۴۸، شهریور ۲۵۳۶، رمضان - شوال ۱۳۹۷، برگه ۳۳۸ - ۳۴۴؛ مجله  
 یغما، سال سی ام، شماره ۹، شماره ردیف ۳۵۱، آذر ۲۵۳۶، ذی‌قعدة - ذی‌حجه ۱۳۹۷، برگه ۵۲۷ - ۵۳۱، شرحی بر نمایشنامه  
 سی مرغ و سیمرغ (۱)(۲)، علی نقی منزوی.

مجموعه ۱۴ رساله، محمدباقر سبزواری، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۰خ / ۱۹۶۱م

مجموعه اشتونگارت، آثار فارسی سهرودی، مقدمه انگلیسی از: *Otto Sples and S. K. Khalak*، اشتونگارت، آلمان،  
 ۱۹۳۵م،

مجموعه آثار افلاطون، رضا کاویانی و محمدحسن لطفی، انتشارات ابن‌سینا، تهران، سه جلد، ۱۳۴۶ - ۱۳۵۳خ.

مجموعه آثار فارسی سهرودی، تصحیح حسین نصر و هانری کربن، تهران، ۱۹۷۰م.

المحاسن، شیخ ابوجعفر احمد بن محمد بن خالد بن عبدالرحمان بن محمد بن علی برقی (د: ۲۷۴ق)، دارالکتب اسلامی،  
 تهران، ۱۳۳۰خ؛ تصحیح موسوی و محدث ارموی، تهران، ۱۳۳۱خ / ۱۹۶۲م، ۶۵۵ برگه + ۶۰ برگه مقدمه از محدث ارموی.  
 مدینه فاضله فارابی: مدینه فاضله فارابی، علینقی منزوی، مجله کاوه، شماره ردیف ۴۳، مونیخ، سال ۱۰، شماره چهار،  
 مهرماه ۱۳۵۱خ، شعبان ۱۳۹۲، سپتامبر ۱۳۷۲، برگه ۳۲۰ - ۳۲۹؛

- مروج الذهب و معادن الجوهر، علی فرزندحسین مسعودی (د: ۳۴۶ق / ۹۵۷م)، تحقیق شار پلا. چاپ پاریس، ۱۸۶۱ - ۱۸۷۲؛ افست تهران؛ چاپ دارالاندلس للطباعة و النشر، بیروت، چاپ دهم ۱۹۶۶م.
- مزدآپرستی در ایران قدیم، آرتور کریستین سن، برگردان ذبیح‌الله صفا، تهران، ۱۳۴۵خ.
- مِصْبَاحُ الشَّرِيعَةِ وَ مِفْتَاحُ الْحَقِيقَةِ، امام جعفر صادق (ع)، در اخلاق و معاشرت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۰ق؛ برگردان حسن مصطفوی، انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران، تهران، ۱۳۶۰خ.
- مصیبت‌نامه، فریدالدین ابوحماد محمد فرزند ابراهیم عطار نیشابوری (۵۴۰ - ۶۱۸م)، تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی، انتشارات سخن، تهران، ۱۳۹۴خ.
- معراج‌نامه، پارمنیدس یونانی (۵۴۰ - ۴۵۰پ.م).
- مفتاح الخیر فی شرح رسالة الطیر، شرح رسالة الطیر شیخ‌الرئیس ابوعلی حسین فرزند عبدالله فرزند سینا (د: ۴۲۸ق / ۱۰۳۷م)، علی بن سلیمان بحرینی در سده ۷هـ / ۱۴م.
- مفتاح الخیر فی شرح رسالة الطیر السینائیة، کمال‌الدین علی بن سلیمان بحرینی (سده ۷هـ) نک: الذریعة، ج ۲۱، ۳۲۹، شماره ۵۳۱۹.
- مقاله ابوالخیر خمار، چ. عبدالرحمان بدوی در کتاب الافلاطونیه المحدثه عند العرب.
- الملل و النحل، ابوالفتح محمد فرزند ابوالقاسم عبدالکریم فرزند ابوبکر احمد شهرستانی (۴۷۹ - ۵۴۸ق)، چ. در حاشیه ابن خرم، ترجمه ترکه اصفهانی، چ. جلال نایینی، تهران، ۱۳۳۵خ؛ الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، ابوالفتح محمد فرزند ابوالقاسم عبدالکریم فرزند ابوبکر احمد شهرستانی (۴۷۹ - ۵۴۸ق)، مطبعة الأدبیه، مصر، ۱۳۱۷ - ۱۳۲۱ق؛ دیگر: تخریج محمد فرزند فتح‌الله بدران، قاهره، مکتبه الانجلو المصریه، بی‌تا؛ الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، ابن خرم، علی بن احمد، انتشارات، دار ابن‌الهیثم، ۱۳۸۴.
- الملل و النحل، محمد فرزند عبدالکریم شهرستانی (۴۷۹ - ۵۴۸ق)، چاپ مصر، ۱۹۴۵م؛ چاپ دیگر: دارالمعرفة للطباعة و النشر، بیروت، لبنان، ۱۹۷۲م؛ انتشارات شریف رضی، قم، ۱۳۶۴خ؛ دیگری پژوهش گیلانی.

- ۴ جلد وزیری. مَن لایحْضَرُهُ الفقیه، ابن بابویه، شیخ صدوق، ابوجعفر محمد فرزند علی فرزند حسین قمی (۳۰۶ - ۳۸۱)، نجف، ۱۳۷۱ق،
- منازل القلوب شرح رسالة القدس روزبهان، الاهی سیمایی (د: ۸۹۶ق / ۱۴۹۰م)، چ. دانش‌پژوه در مجموعه روزبهان‌نامه، تهران، ۱۹۶۸م.
- منطق الطیر خاقانی
- منطق الطیر سلیمانی
- منطق الطیر عطار نیشابوری، ترجمه به ترکی گلشهری (د: ۷۱۷ق / ۱۳۱۷م)، چ. آنکارا، ۱۹۵۷م.
- منطق الطیر عطار، ترجمه به عربی ویکتور الکک لبنانی، فارغ التحصیل دانشگاه تهران.
- منطق الطیر عطار، ترجمه گلشهری (ز: ۷۱۷ق / ۱۳۱۷م) به ترکی، آنکارا، ۱۹۵۷.
- منطق الطیر، ابومنذر هشام کلبی (د: ۲۰۵ق / ۸۲۰م)، نک: فن یکم از مقالات سوم فهرست ابن‌ندیم، برگه ۱۶۲.
- منطق الطیر، فریدالدین عطار نیشابوری، محمد فرزند ابراهیم (۵۳۴-۶۳۷ق)، تصحیح صادق گوهرین (۱۲۹۳-۱۳۷۴خ)، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، چ. سوم، تهران، ۱۳۵۶خ، ۴۲۶ برگه.
- منطق الطیر؛ یا مقامات طیور، فریدالدین ابوحماد محمد فرزند ابراهیم عطار نیشابوری (۵۴۰ - ۶۱۸م)، تصحیح جواد مشکور، چ. تبریز، ۱۳۳۷خ؛ دیگر: کتابفروشی تهران، ۱۹۶۲م.
- منطق الطیر اثر عطار با تصحیح و مقدمه احمد خوشنویس و میرزا محمد حسین خان ذکاءالملک.
- منطق الطیر، براساس نسخه پاریس، تصحیح و شرح: دکتر کاظم دزفولیان، انتشارات طلایه، تهران ۱۳۸۱.
- منطق الطیر، ناشر: انتشارات ماد، چاپ ۱۳۷۳.
- نامه‌های عین‌القضات، علی‌نقی منزوی، جلد دوم، عقیف عسیران، بیروت، ۱۹۷۲م، سپس تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۷۷خ.
- نامه‌های عین‌القضات، علی‌نقی منزوی، جلد سوم، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۷۷خ.

نامه‌های عین‌القضات، علی‌نقی منزوی، جلد یکم، عقیف عسیران، بیروت، ۱۹۶۹م، سپس تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۷۷خ.

نخستین فیلسوفان یونان، شرف خراسانی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۵۰خ / ۱۹۷۱م. نقد و تحلیل آثار عطار، چ. تهران، فروزان فر ۱۳۴۰خ / ۱۹۶۱م.

نوروزیه (گاه‌شماری و نجوم)، معلی بن خنیس شاگرد امام صادق، نسخه خطی، رونویسی سالک‌الدین محمد حمویی (ز): ۱۰۳۲ق). نک: دیباچه‌ای بر میراث نوشتاری پزشکی ایران و جهان، مجمع النفایس و حجلة العرائس، برگه ۱۱۷، حاشیه نسخه خطی شماره ۱۹۷ کتابخانه مؤسسه دهخدا، رساله اعمال روز نوروز، عمادالدین شیرازی، تصحیح محمدابراهیم ذاکر و غلامرضا جمشیدنژاد اول، مجلس شورا، ۱۳۹۶خ.

النهاية في غريب الحديث و الأثر، ابن اثیر جزری (د: ۶۰۶ق / ۱۲۰۹م) مجدالدین مبارک فرزند محمد فرزند عبدالواحد شیبانی موصلی رجالی، تصحیح محمود محمد طناحی و طاهر احمد زاوی، انتشارات اسماعیلیان، قم، ۱۳۶۷خ. نهج البلاغة، شرح محمد عبده، بیروت، ۱۳۰۷ق؛ دیگر: تحقیق محمد محیی‌الدین عبدالحمید، مطبوعه الاستقامه، قاهره، مصر.

شرح نهج البلاغة، عبدالحمید بن هبة الله ابن ابی‌الحدید (۵۸۶ - ۶۵۶ق)، چاپ مصر ۱۳۳۹ق، چ ۳. ودا، کتاب مقدس هندیان.

مجمع الفصحاء، رضاقلی خان هدایت، به کوشش سید رضی واحدی و سهراب زارع، امیر کبیر، تهران، ۱۳۸۹خ. هدهد سلیمان، تائب تبریزی نک: ذریعه، ج ۹، ۱۶۳؛ ج ۲۵، ۲۰۱، شماره ۲۶۲.

هدهدنامه، فریدالدین عطار نیشابوری نک: فهرست میکروفیلم‌ها، ج ۱، ۴۰۹؛ ذریعه، ج ۹، ۷۲۹؛ ج ۱۹، ۳۳۸؛ ج ۲۵، ۲۰۱، شماره ۲۶۱، نسخه خطی آن در کتابخانه عاطف افندی.

هنر مانوی، هانس یواخیم کلیم‌کایت (د: ۱۹۳۹م). برگردان ابوالقاسم اسماعیل‌پور مطلق، انتشارات اسطوره، تهران، ۱۳۸۴خ.